توحید

برای کودکان و نوجوانان

**تأليف:**

**دكتر عبدالعزيز بن محمد عبداللطيف**

**ترجمه:**

**اسحاق دبيري**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | توحید برای کودکان و نوجوانان |
| **مؤلف:** | دكتر عبدالعزيز بن محمد عبداللطيف |
| **مترجم:** | اسحاق دبيري |
| **موضوع:** | توحید و الهیات |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری |
| **منبع:**  | کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com |
|  |  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[مقدمه مترجم 3](#_Toc238505596)

[سؤال و جواب در توحيد خردسالان (1) 4](#_Toc238505597)

[سؤال و جواب در توحيد خردسالان (2) 5](#_Toc238505598)

[اصل و قاعده اول: شناخت خدا: 7](#_Toc238505599)

[اصل و قاعده دوم: شناخت دين: 8](#_Toc238505600)

[اصل و قاعده سوم: شناخت پيامبر‌ : 9](#_Toc238505601)

[اصول عقيده ما سه چيز است: 10](#_Toc238505602)

[اصل اول: شناخت خداوند سبحان: 10](#_Toc238505603)

[اصل وقاعده دوم: شناخت دين اسلام: 11](#_Toc238505604)

[اصل و قاعده سوم: شناخت پيامبر ما، محمد‌ : 11](#_Toc238505605)

[انواع توحيد: 16](#_Toc238505606)

[صفات رستگاران: 19](#_Toc238505607)

[آنچه با توحيد، منافات دارد. 19](#_Toc238505608)

[ايمان به آخرت 22](#_Toc238505609)

[مقدمه‌اي پيرامون عقيده اسلامي و اهميت آن. 25](#_Toc238505610)

[اهميت عقيده اسلامي 26](#_Toc238505611)

[ايمان به خداوند عز وجل: 28](#_Toc238505612)

[ايمان به فرشتگان: 45](#_Toc238505613)

[ايمان به كتاب‌هاي آسماني: 49](#_Toc238505614)

[ايمان به پيامبران: 54](#_Toc238505615)

[ايمان به قيامت:‌ 65](#_Toc238505616)

[ايمان به قضا و قدر (سرنوشت) 84](#_Toc238505617)

مقدمه مترجم

الحمد لله والصلاة على رسول الله وآله وصحبه ومن والاه وبعد:

قبلاً كتابی بنام [خداشناسی برای خردسالان] تألیف كردیم، كه مختصر بود، لذا بر آن شدیم تا كتاب حاضر را كه شامل مطالب بیشتری است، ترجمه نماییم و در اختیاركودكان و نوجوانان فارسی زبان قرار دهیم تا بتوانند از آن، بهتر بهره ببرند، زیرا كودک و نوجوان اگر خدای خود را از روی علم و دانش بشناسد، در عبادت و تمسک به دین مبین اسلام، كوشاتر و استوارتر خواهد بود.

از خداوند متعال مسئلت داریم آنرا بعنوان عملی خالص برای رضا و خشنودی خود بپذیرد، و ما را در دنیا و آخرت اجر و پاداش نیک عطا فرماید. آمین.

اسحق دبیری

سؤال و جواب در توحيد خردسالان (1)

لاَ إِلَهَ إِلاَّ الله.

هیچ معبود بحقی جز خدای یكتا، وجود ندارد.

مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللهِ.

محمد رسول و فرستاده خداست.

رَبِّيَ الله.

معبود من خداست.

أَنَا أَعْبُدُ رَبِّي.

من خدا را مى‌پرستم.

أَنَا أُحِبُّ رَبِّي.

من خدا را دوست دارم.

س1 معبود تو كیست؟

ج: معبود من خداست.

س2: چه كسی تو را آفریده است؟

ج: خداوند من و تمامی مردم را آفریده است.

س3: چه كسی شب و روز و آفتاب و مهتاب را آفریده است؟

ج: خداوند شب و روز و آفتاب و مهتاب را آفریده است.

س4: چه كسی زمینی كه ما بر روی آن راه می‏رویم آفریده است؟

ج: خدا زمینی كه ما بر روی آن راه می‌رویم آفریده است.

س5: چه كسی دریاها را آفریده، و رودها را جاری كرده است؟

ج: خدا دریاها را آفریده و رودها را جاری كرده است.

س6: چه كسی باران را از آسمان فرود می‌آورد؟

ج: خداوند، باران را از آسمان فرود می‌آورد.

س7: چه كسی درختها را آفرید و میوه‌ها را از آن خارج نمود؟

ج: خداوند، درختان را آفرید و میوه‌ها را از آن خارج نمود.



سؤال و جواب در توحيد خردسالان (2)

أَنَا أَعْبُدُ اللهَ.

من خدا را می‌پرستم.

أَنَا أَحِبُّ اللهَ.

من خدا را دوست دارم.

اللهُ خَلَقَ النَّاسَ لِعِبَادَتِهِ وَطَاعَتِهِ.

خداوند، مردم را برای عبادت و اطاعت از خود آفریده است.

عِبَادَةُ اللهِ وَطَاعَتُهُ وَاجِبَةٌ عَلَي جَمِيْعِ النَّاسِ.

عبادت خدا و طاعت او بر تمامی مردم، واجب است.

س1: دین تو چیست؟

ج: دین من اسلام است.

س2: اسلام یعنی چه؟

ج: اسلام یعنی یگانه پرستی و اطاعت از دستورات خدا و ترک مناهی او.

س3: اساس اسلام چیست؟

ج: اساس آن گواهی دادن به اینكه هیچ معبود بحقی جز خدای یكتا وجود ندارد، و محمد فرستاده اوست.

س4: چرا وقتی اذان را می‌شنویم همه برای نماز برمی خیزیم.

ج: چون نماز، یكی از مهمترین اركان اسلام است. و انسان، مسلمان نخواهد بود مگر با ادای نماز.

س5: پیامبری كه خدا او را بسوی ما فرستاد كیست؟

ج: محمد پیامبری است كه خدا او را بسوی ما فرستاد.

س6: چرا خداوند، محمد را بسوی تمامی مردم فرستاد؟

ج: خداوند او را فرستاد تا اینكه دین اسلام را به مردم بیاموزد.

س7: محمد به چه چیز دعوت می‌كند؟

ج: محمد به عبادت خدای یكتا و ترک عبادت غیر خدا، دعوت می‌كند.



«رَضِيْتُ بِاللهِ رَبًّا وَبِاْلإِسْلاَمِ دِيْنًا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُوْلاً وَنَبِيًّا». «به پروردگاری خدا، و دین اسلام، و پیامبری محمد خشنودم».

بر ما واجب است كه سه اصل و قاعده اسلام را بشناسیم: شناخت خداوند متعال، دین اسلام، و رسول الله .

اصل و قاعده اول: شناخت خدا:

1 ـ معبود من خداوندی است كه آفریننده و مالک و مدبر همه چیز است، چنانكه مى‌فرماید:

﴿ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖۖ﴾ [الزمر: 62].

«خداوند آفریننده همه چیزهاست».

2 ـ معبودم را با نشانه‌ها و دلایل و مخلوقات‌اش می‌شناسم، چنانكه می‌فرماید:

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِ ٱلَّيۡلُ وَٱلنَّهَارُ وَٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُ﴾ [فصلت: 37].

«و از جمله نشانه‌های خدا خلقت شب و روز و خورشید و ماه است».

3 ـ خــدا تنها معبـود شایسته عبـادت است، یكتاست و هیچ شریكی ندارد. چنان كه می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ٢١﴾ [البقرة: 21].

«ای مردم! خدایی را بپرستید كه آفریننده شما وآنانی است كه پیش از شما بودند. باشد كه پرهیزگار شوید».

س1: چرا خداوند، تو را آفرید؟

ج: مرا آفرید تا او را عبادت كنم، همان طور كه می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ ٥٦﴾ [الذاریات: 56].

«جن انس را نیافریدم مگر اینكه مرا عبادت كنند».

س2: عبادت او چیست؟

ج: عبادت او، یگانه (یكتا) دانستن وی و اطاعت از دستورات اوست.

س3: لا إله إلاَّ الله یعنی چه؟

ج: یعنی هیچ معبود بحقی جز خدای یكتا، وجود ندارد.



اصل و قاعده دوم: شناخت دين:

1- اسلام یعنی: یگانه دانستن خدا، و طاعت دستورات وی، و ترک مناهی اوست، چنان كه می‌فرماید:

﴿وَمَنۡ أَحۡسَنُ دِينٗا مِّمَّنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ﴾ [النساء: 125].

«و كدام دین بهتر از آن است كه مردم، خود را تسلیم حكم خدا نموده، - و سر زیر بار فرمان خدا آورند - و هم نیكوكار باشند».

2- اسلام دینی است كه خدا به آن برای همه مردم، راضی و خشنود شده است، چنانكه می‌فرماید:

﴿وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلۡإِسۡلَٰمَ دِينٗا﴾ [المائدة: 3].

«و بهترین آیین را كه اسلام است، برایتان برگزیدم».

3- اسلام دین خیر و خوبی و سعادت و سرور است، خداوند می‌فرماید:

﴿بَلَىٰۚ مَنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ فَلَهُۥٓ أَجۡرُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ١١٢﴾ [البقرة: 112].

«آری هر كسی كه نیكوكارانه روی دل به سوی خدا نهد، او پاداش خود را نزد پروردگارش دارد. و نه می‌ترسند و نه اندوهگین می‌شوند».

س1: اسلام چند ركن دارد و كدامند؟

ج: اركان اسلام پنج تا است كه عبارتند از:

1 ـ گواهی دادن به این كه معبود بحقی جز خدای یكتا وجود ندارد، و محمد فرستاده اوست.

2 ـ اقامه نماز.

3 ـ پرداخت زكات.

4 ـ روزه ماه (مبارك) رمضان.

5 ـ حج خانه خدا، به شرط استطاعت.



اصل و قاعده سوم: شناخت پيامبر‌ :

1 ـ پیامبر من محمد بن عبدالله است.

2 ـ خداوند، محمد را به سوی تمامی مردم فرستاده تا دین اسلام را به آنها بیاموزد.

3 ـ طاعت از پیامبر بر من واجب است، خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَىٰكُمۡ عَنۡهُ فَٱنتَهُواْ﴾ [الحشر: 7].

«آنچه را كه رسول به شما داد، بگیرید و از آنچه كه نهی كرد، باز آیید».



اصول عقيده ما سه چيز است:

شناخت خدا، دین و پیامبر.

اصل اول: شناخت خداوند سبحان:

1- خدای ما خالق آسمان‌ها و زمین است، چنان كه می‌فرماید:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ﴾ [الأعراف: 54].

«پروردگار شما خدایی است كه آسمان‌ها و زمین را آفرید».

2- خداوند، انسان را خلق كرد، و او را در چهره‌ای خوب آفرید، و می‌فرماید:

﴿لَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ فِيٓ أَحۡسَنِ تَقۡوِيمٖ ٤﴾ [التین: 4].

«ما انسان را در بهترین رخسار آفریدیم».

3- خداوند، مدبر همه چیزهاست،و می‌فرماید:

﴿يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ﴾ [السجدة: 5].

«خدا، امور جهان را به بهترین و كامل‌ترین نظم از آسمانها به زمین، تدبیر مى‌كند».

4- خداوند، جن و انس را آفرید تا او را عبادت كنند، همان طوری كه می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ ٥٦﴾ [الذاریات: 56].

«جن و انس را نیافریدم مگر برای عبادت خود».

5- خداوند به ما امر كرد تا به طاغوت كفر ورزیم، و به او (خدا) ایمان آوریم، و می‌فرماید:

﴿فَمَن يَكۡفُرۡ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰ﴾ [البقرة: 256].

«پس هر كس از راه كفر - و سركشی - برگردد، و به راه ایمان (و پرستش) خدا روی آورد، به رشته محكم (و استواری) چنگ زده است».

6 ـ عروه الوثقی ریسمان ناگسستنی، لا إله إلاَّ الله است، یعنی: هیچ معبود بحقی جز خدای یكتا وجود ندارد.



اصل وقاعده دوم: شناخت دين اسلام:

1- دین ما اسلام است. و خداوند، غیر از آن از هیچ كس دین دیگری را نمی‌پذیرد. چنانكه می‌فرماید:

﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ﴾ [آل‌عمران: 85].

«هر كس غیر از اسلام دینی دیگر اختیار كند، (هرگز) از وی پذیرفته نمی‌شود».

2- مراتب دین اسلام سه چیز است:

اسلام، ایمان، احسان(نیكی).

3- اسلام یعنی: تسلیم خداوند یگانه شدن، و به طاعت او گردن نهادن، و دوری از شرک و متعلقات آن.

4- ایمان: باور داشتنخدا و فرشتگان خدا و كتابهای خدا و پیامبران خدا و روز آخرت و قضا و قدرو خیر و شر آن.

5- احسان: پرستش خدا چنان كه او را می‌بینی، و اگر تو او را نمی‌بینی یقین بدار كه او تو را می‌بیند.



اصل و قاعده سوم: شناخت پيامبر ما، محمد‌ :

1- او محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب الهاشمی القرشی بهترین پیامبران و خاتم انبیاست.

2- پیامبر ما این دین را به ما رساند و ما را به انجام هر كار نیک امر فرمود، و از هر شر و بدی، باز داشت.

3- پیروی از پیامبر اكرم و اتباع وی بر ما واجب است، خداوند می‌فرماید:

﴿لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ﴾ [الأحزاب: 21].

«به راستی برای شما - مسلمانان - رسول خدا سرمشقی نیكوست».

4- مقدم داشتن محبت پیامبر بر محبت مادران و پدران و تمامی مردم. چنانكه رسول الله می‌فرماید: «لاَ يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّي أَكُوْنَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ وَوَلَدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِيْنَ». بخاری و مسلم. «ایمان هیچ یک از شما كامل نمی‌شود مگر اینكه من نزد او از پدر و فرزند و تمامی مردم، محبوبتر باشم».

پس محبت او در واقع، پیروی از ایشان و انجام فرامین آنحضرت می‌باشد.

أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ. گواهی می‌دهم كه خدای بحقی جز خدای یكتا، وجود ندارد.

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ. و گواهی می‌دهم كه محمد فرستاده خداست.

1- معنای شهادت أن لا إله إلاَّ الله: معبود بحقی جز خدای یكتا، وجود ندارد.

2- عبادت: عبادت شامل تمام سخنان و كارهایی است كه خداوند، آن‌ها را دوست دارد.

3- عبادت، انواع زیادی دارد كه بعضی از آن عبارتند از:

دعا، ترس، توكل، نماز، ذكر، خدمت به پدر و مادر و...

دلیل دعا: خداوند می‌فرماید:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِي سَيَدۡخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ٦٠﴾ [غافر: 60].

«پروردگارتان گفت: مرا - به دعا - بخوانید تا برایتان اجابت كنم، آنان كه از عبادت من كبر می‌ورزند با خواری به جهنم در می‌آیند».

دلیل ترس: خداوند می‌فرماید:

﴿فَلَا تَخَافُوهُمۡ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾ [آل‌عمران: 175].

«پس اگر مؤمن هستید از آنان - شیاطین – نترسید – بلكه - از من بترسید».

دلیل توكل: خداوند می‌فرماید:

﴿قَالَ رَجُلَانِ مِنَ ٱلَّذِينَ يَخَافُونَ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمَا ٱدۡخُلُواْ عَلَيۡهِمُ ٱلۡبَابَ فَإِذَا دَخَلۡتُمُوهُ فَإِنَّكُمۡ غَٰلِبُونَۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَتَوَكَّلُوٓاْ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ٢٣﴾ [المائدة: 23].

«و اگر مؤمن هستید (باید كه) بر خدا توكل كنید».

دلیل نماز: خداوند می‌فرماید:

﴿مُنِيبِينَ إِلَيۡهِ وَٱتَّقُوهُ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَلَا تَكُونُواْ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ٣١﴾ [الروم: 31].

«و نماز بگزارید و از مشركان نباشید».

دلیل ذكر: خداوند می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ ذِكۡرٗا كَثِيرٗا ٤١﴾ [الأحزاب: 41].

«ای مؤمنان، خداوند را به یاد كردن بسیار، یاد (و ذكر) كنید».

و دلیل فرمانبرداری از پدر و مادر: خداوند می‌فرماید:

﴿وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ إِحۡسَٰنًا﴾ [الأحقاف: 15].

«و به انسان در باره پدر و مادرش به نیكوكاری سفارش كرده‌ایم».

4- تمام عبادات، برای خدا انجام می‌گیرد. پس اگر كسی عبادتی را برای غیر خدا، انجام دهد، كافر است. خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَن يَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ لَا بُرۡهَٰنَ لَهُۥ بِهِۦ فَإِنَّمَا حِسَابُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦٓۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ١١٧﴾ [المؤمنون: 117].

«و هر كس با خداوند معبود دیگری را (به نیایش) بخواند كه هیچ دلیلی به (حقانیت) آن ندارد، جز این نیست كه حسابش نزد پروردگارش است، بی‌گمان كافران رستگار نمى‌شوند».

5 - خداوند جن و انس را آفرید تا فقط او را پرستش كنند، چنان كه می‌فرماید:

﴿مَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ ٥٦﴾ [الذاریات: 56].

«جن و انس را نیافریدم مگر برای آنكه مرا بندگی كنند».

6- كسی كه فقط خدا را پرستش كند به سعادتی عظیم و شادمانی بزرگ و زندگی خوبی دست خواهد یافت. خداوند می‌فرماید:

﴿مَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَنُحۡيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةٗ طَيِّبَةٗۖ وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَجۡرَهُم بِأَحۡسَنِ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٩٧﴾ [النحل: 97].

«هر كس چه مرد و چه زن كار شایسته‌ای انجام دهد و مومن باشد به او زندگی پاكیزه و خوشایندی عطا می‌كنیم».

1- معنای شهادت أنَّ محمداً رسول الله: تصدیق او درباره آنچه به ما خبر داده، و طاعت او در آنچه امر فرموده، و اجتناب از آنچه نهی كرده، و این كه خدا پرستش نشود مگر به شیوه‌ای كه شریعت، یقین نموده است.

2- نام پیامبر ما: محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب الهاشمی القرشی است، كه بهترین نسب، در میان عرب می‌باشد.

3- خداوند، محمد را برای همه مردم فرستاده و اطاعت‌اش را بر همه، واجب نموده است. چنانكه می‌فرماید:

﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُمۡ جَمِيعًا﴾ [الأعراف: 158].

«بگو ای مردم! من فرستاده خداوند به سوی همه شما هستم».

4- پیامبر ، نخست در مكه مكرمه زندگی كرد و مردم را به توحید و پرستش خدای یكتا دعوت نمود. سپس به مدینه منوره هجرت نمود و به انجام بقیه احكام دین اسلام مانند زكات و روزه و جهاد و غیره امر فرمود. و سرانجام، در مدینه در سن 63 سالگی دار فانی را وداع گفت.

5- هر كس كه با اوامر پیامبر اكرم مخالفت كند، مستحق عذاب شدید می‌گردد، خداوند می‌فرماید:

﴿فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ أَوۡ يُصِيبَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: 63].

«پس باید آنان كه بر خلاف فرمان او رفتار می‌كنند بر حذر باشند كه بلایی به آنان برسد، یا عذابی دردناک گریبان گیرشان شود».

6- هر كس كه از پیـامبر خدا اطاعت كند، سعادت كامل و پیروزی بزرگی نصیب‌اش خواهد شد. خـداوند مى‌فرماید:

﴿وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ١٣٢﴾ [آل‌عمران: 132].

«و از خداوند و رسول – او - فرمان برید، باشد كه مشمول رحمت قرار گیرید».

و هم چنین می‌فرماید:

﴿وَإِن تُطِيعُوهُ تَهۡتَدُواْ﴾ [النور: 54].

«و اگر از او فرمان برید، راه خواهید یافت».



انواع توحيد:

تعریف توحید:

یكتا دانستن خدا در ربوبیت و الوهیت و كامل بودن اسماء و صفات خدا را توحید گویند.

اقسام توحید: توحید سه نوع است:

توحید ربوبیت، توحید الوهیت، توحید اسماء و صفات.

1- توحید ربوبیت: عبارت است از توحید افعال خدا: یعنی معتقد بودن به این كه همه چیز مانند: آفریدن، روزی دادن، تدبیر امور، زنده كردن، میراندن، و مانند آن از جانب خداست.

و هیچ آفریننده‌ای جز خدا، وجود ندارد. چنان كه می‌فرماید:

﴿ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖ﴾ [الزمر: 62].

«خداوند، آفریننده همه چیز است».

و روزی دهنده‌ای نیست مگر خدا، همان طور كه می‌فرماید:

 ﴿وَمَا مِن دَآبَّةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ رِزۡقُهَا﴾ [هود: 6].

«و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر آن كه روزی‌اش بر - عهده- خداوند است».

و هیچ كس امور خلایق را تدبیر نمی‌كند مگر خدا، و می‌فرماید:

﴿يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ﴾ [السجدة: 5].

«كار (هستی) را از آسمان (گرفته) تا زمین تدبیر می‌كند».

و هیچ كس زنده نمی‌كند، و نمی‌میراند مگر خدا، چنان كه می‌فرماید:

﴿هُوَ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٥٦﴾ [یونس: 56].

«او زنده می‌كند و می‌میراند، و به سوی او بازگردانده می‌شوید».

كفار قریش، در زمان رسول الله به این نوع توحید، اعتراف كردند. ولی اعترافشان آنها را مشرف به دین اسلام نكرد، چنان كه خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۚ قُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٢٥﴾ [لقمان: 25].

«و اگر از آنان بپرسی چه كسی آسمان‌ها و زمین را آفرید،به یقین گویند: خداوند».

2 ـ توحید الوهیت: عبارت است از توحید افعال و اعمال بندگان خدا در آنچه كه به آن امر شده‌اند، یعنی تمامی عباداتی كه بندگان انجام می‌دهند برای خداوند یكتاست كه شریكی ندارد، مانند: دعا، ترس، توكل، یاری، مدد و ...

پس فقط او را می‌خوانیم. چنانكه می‌فرماید:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡ﴾ [غافر: 60].

«و پروردگارتان گفت: مرا (به دعا) بخوانید تا برایتان اجابت كنم».

و فقط از خدا می‌ترسیم. همان طور كه می‌فرماید:

﴿فَلَا تَخَافُوهُمۡ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾ [آل‌عمران: 175].

«پس اگر ایمان دارید، از آنان - اولیای شیطان - نترسید - بلكه- از من بترسید».

و فقط بر خدا توكل می‌كنیم، و خدا می‌فرماید:

﴿وَعَلَى ٱللَّهِ فَتَوَكَّلُوٓاْ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾ [المائدة: 23].

«و اگر مؤمن هستید - باید كه - بر خدا توكل كنید».

فقط از خدا یاری می‌طلبیم، چنانكه می‌فرماید:

﴿إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ٥﴾ [الفاتحة: 5].

«تنها تو را بندگی می‌كنیم، و تنها از تو یاری می‌جوییم».

و فقط به خدا پناه می‌بریم، چنانكه می‌فرماید:

﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ ١﴾ [الناس: 1].

«بگو: به پروردگار مردم، پناه می‌برم».

این، توحیدی است كه پیامبران آورده‌اند، خداوند می‌فرماید:

 ﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ﴾ [النحل: 36].

«به یقین در - میان - هر امتی رسولی برانگیختیم، - با این دعوت - كه: خداوند را بندگی كنید و از طاغوت بپرهیزید».

و این همان توحیدی است كه كفار، در گذشته آن را انكار كرده‌اند و اكنون نیز آن را انكار می‌كنند. خداوند متعال از زبان مشركین می‌فرماید:

﴿أَجَعَلَ ٱلۡأٓلِهَةَ إِلَٰهٗا وَٰحِدًاۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيۡءٌ عُجَابٞ ٥﴾ [ص: 5].

«آیا - همه - معبودان را یک معبود قرار داده است؟ بی‌گمان این چیزی شگفت است».

3 ـ توحید اسماء و صفات: ایمان آوردن به اسماء و صفاتی كه خداوند، خودش را با آنها وصف نموده و یا رسول الله او را توصیف نموده و در قرآن كریم و سنت صحیح بنی اكرم آمده‌اند. و شایان ذكر است كه خداوند، نامهای زیادی داردكه بعضی از آن‌ها عبارتند از: بخشنده، شنوا، بینا، عزیز، حكیم (دارای حكمت) و ... خداوند می‌فرماید:

﴿لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ﴾ [الشوری: 11].

 «چیزی مانند او نیست، و او شنوا و بیناست».



صفات رستگاران:

خداوند می‌فرماید:

﴿وَٱلۡعَصۡرِ ١ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَفِي خُسۡرٍ ٢ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡحَقِّ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ ٣﴾ [العصر: 1-4].

«سوگند به زمان، كه انسان در زیانكاری است، مگر آنان كه ایمان آورده و كردار شایسته كرده‌اند و همدیگر را به حق سفارش، و همدیگر را به شكیبایی توصیه كرده‌اند».

خداوند به زمان، سوگند یاد كرده كه انسان در زیان و هلاكت است، مگر كسی كه چهار صفت، داشته باشد:

1. ایمان: شناخت خدا و پیامبر خدا و دین اسلام را ایمان گویند.
2. عمل صالح: مانند نماز، روزه ،زكات، راستگویی و نیكی به پدر و مادر.
3. سفارش به حق: یعنی دعوت به سوی ایمان و عمل صالح و تشویق به آن.
4. سفارش به صبر: یعنی دعوت به صبر و شكیبایی بر طاعت. و صبر هنگام مصیبت.

آنچه با توحيد، منافات دارد.

1- اولین چیزی كه خداوند بر بندگانش واجب كرد، ایمان به خدا و كفر به طاغوت است، خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ﴾ [النحل: 36].

«به یقین در – میان - هر امتی رسولی برانگیختیم، - با این دعوت - كه: خداوند را بندگی كنید و از طاغوت بپرهیزید».

2- معنای طاغوت: هر چیز یا كسی كه به غیر از خدا شود، و به آن عبادت، راضی باشد،طاغوت نام دارد.

3- چگونگی كفر به طاغوت: باطل دانستن عبادت غیر خدا، ترک آن و بغض ورزیدن به آن، و كافر دانستن. كسی كه چنین اعمالی انجام دهد و دشمنی كردن با او.

4- شرک، ضد توحید است: پس توحید به این معنی است كه تنها خدا را عبادت كنیم، و شرک این است كه یكی از عبادتها برای غیر خدا انجام گیرد. مانند اینكه از غیر خدا بخواهد یا غیر خدا را سجده كند.

5- شرک، بزرگترین و عظیم‌ترین گناه است، خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغۡفِرُ أَن يُشۡرَكَ بِهِۦ وَيَغۡفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُ﴾ [النساء: 116].

«خداوند نمی‌بخشد كه به او شرک آورده شود، و جز آن - شرک- را برای هركس كه بخواهد، می‌آمرزد».

باید دانست كه شرک، تمامی طاعات را باطل می‌سازد و موجب جاوید ماندن در دوزخ و عدم ورود به بهشت می‌گردد. چنانكه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَوۡ أَشۡرَكُواْ لَحَبِطَ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ﴾ [الأنعام: 88].

«و اگر شرک می‌ورزیدند، آنچه را كه كرده بودند، از - نامه اعمال - آنان زدوده می‌شد».

و در جایی دیگر می‌فرماید:

﴿إِنَّهُۥ مَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدۡ حَرَّمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ ٱلۡجَنَّةَ وَمَأۡوَىٰهُ ٱلنَّارُۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ﴾ [المائدة: 72].

«بی‌گمان، كسی كه به خداوند، شرک ورزد، خداوند بهشت را بر او حرام می‌گرداند و جایگاهش در آتش است».

6- كفر، با توحید منافات دارد. پس كفر، سخنان و كارهایی است كه انجام دهنده‌اش را از دایره توحید و ایمان، خارج می‌كند.

مانند مسخره كردن خدا، آیات قرآن و رســول خدا . چنانكه حق تعالی می‌فرماید:

﴿قُلۡ أَبِٱللَّهِ وَءَايَٰتِهِۦ وَرَسُولِهِۦ كُنتُمۡ تَسۡتَهۡزِءُونَ ٦٥ لَا تَعۡتَذِرُواْ قَدۡ كَفَرۡتُم بَعۡدَ إِيمَٰنِكُمۡ﴾ [التوبة: 65-65].

«بگو: آیا به خدا، و آیات او، و رسولش ریشخند می‌كردید؟ عذر نیاورید، به راستی كه پس از ایمان آوردن، كافر شدید».

7- نفاق، با توحید، منافات دارد. نفاق یعنی اظهار توحید و ایمان نزد مردم، و پنهان ساختن شرک و كفر، در دل می‌باشند. مانند این كه كسی با زبان‌اش ایمان بیاورد ولی كفر را در دلش پنهان سازد.

چنانكه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَمَا هُم بِمُؤۡمِنِينَ٨﴾ [البقرة: 8].

«و از مردم كسانی هستند كه می‌گویند: به خدا و به روز قیامت، ایمان آورده ایم، حال آن كه مؤمن نیستند».

یعنی با زبانشان می‌گویند ما به خدا ایمان آوردیم، ولی در دل خود، مؤمن نیستند.



ايمان به آخرت

معنای ایمان به آخرت: یعنی اینكه وقوع روز قیامت را حتمی بداند و ایمان راسخ داشته باشد كه مردم از قبرهایشان، حشر خواهند شد . و به خاطر اعمالی كه انجام داده‌اند، محاسبه و مجازات خواهند گردید و سرانجام بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ خواهند رفت.

همچنین باید دانست كه ایمان به آخرت، یكی از اركان ایمان است كه بدون آن، ایمان شخص كامل نمی‌شود.

 ایمان به آخرت، شامل سه چیز می‌شود:

1 ـ ایمان به برانگیخته شدن پس از مرگ:

روز قیامت، روح‌ها به اجسادشان بر می‌گردند و مرده‌ها از قبر‌ها برمی خیزند و مردم در پیشگاه پروردگارشان، حاضر می‌كنند. سپس آنها را كه پا برهنه و عریان و ختنه نشده‌اند، یک جا جمع می‌بینند.

زیرا خداوند می‌فرماید:

﴿ثُمَّ إِنَّكُم بَعۡدَ ذَٰلِكَ لَمَيِّتُونَ ١٥ ثُمَّ إِنَّكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ تُبۡعَثُونَ ١٦﴾ [المؤمنون: 15-16].

«سپس شما پس از این خواهید مرد، آنگاه قطعاً در روز قیامت برانگیخته خواهید شد».

همچنین رسول خدا می‌فرماید: «يحشرُ النَّاسُ يَوْمَ القِيَامَةِ حُفَاةً عُرَاةً غُرْلاً». متفق علیه. «روز قیامت، مردم در حالی كه پابرهنه و عریان و ختنه نشده‌اند حشر می‌گردند».

2- ایمان به ترازوی اعمال و محاسبه شدن:

خداوند، مردم را طبق اعمالی كه در دنیا انجام داده‌اند محاسبه می‌كند، پس هر كس كه اهل توحید بوده و از خدا و رسولش اطاعت كرده است، محاسبه‌اش آسان خواهد بود.

و هر كس كه اهل شرک و معصیت بوده، حسابش دشوار خواهد بود.

اعمال انسان در ترازوی عظیمی وزن می‌شوند. نیكی‌ها در یک كفه ترازو، و گناهان در كفه دیگر آن گذاشته می‌شوند. پس هر كس كه نیكی‌هایش از گناهانش بیشتر باشد به بهشت می‌رود. و هر كس كه گناهانش از نیكی‌هایش بیشتر باشد، به جهنم می‌رود. در مورد محاسبه اعمال، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ ٧ فَسَوۡفَ يُحَاسَبُ حِسَابٗا يَسِيرٗا ٨ وَيَنقَلِبُ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ مَسۡرُورٗا ٩ وَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ وَرَآءَ ظَهۡرِهِۦ ١٠ فَسَوۡفَ يَدۡعُواْ ثُبُورٗا ١١ وَيَصۡلَىٰ سَعِيرًا ١٢﴾ [الانشقاق: 7-12].

«اما كسی كه نامه اعمال او به دست راستش داده شود، به آسانی، محاسبه می‌شود و شادمان به سوی خانواده‌اش برمی‌گردد. و اما كسی كه نامه اعمال‌اش از پشت سر، به او داده شود، طلب هلاكت می‌كند و به دوزخ در می‌آید».

و در مورد ترازوی اعمال، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَنَضَعُ ٱلۡمَوَٰزِينَ ٱلۡقِسۡطَ لِيَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ فَلَا تُظۡلَمُ نَفۡسٞ شَيۡ‍ٔٗاۖ وَإِن كَانَ مِثۡقَالَ حَبَّةٖ مِّنۡ خَرۡدَلٍ أَتَيۡنَا بِهَاۗ وَكَفَىٰ بِنَا حَٰسِبِينَ ٤٧﴾ [الأنبیاء: 47].

«و در روز قیامت، ترازوهای عدالت را در میان می‌نهیم. به هیچ كس ستمی نمی‌شود. و اگر - عمل نیک و یا بدی - به اندازه دانه خردل داشته باشد، به حساب می‌آوریم، و ما حسابرسی می‌كنیم».

3- بهشت و دوزخ:

بهشت، منزلگاه دائمی است كه خداوند آن را برای مومنان مطلیع و متقی خدا و رسول مهیا ساخته است. در آن، تمامی نعمت‌های دائمی اعم از خوردنی، نوشیدنی، پوشیدنی و همه دوست داشتنی‌های دیگر وجود دارد.

دوزخ هم جایگاه عذاب همیشگی است، خداوند آن را برای كسانی كه به خدا، كفر ورزیدند و از رسولش نافرمانی كردند آماده كرده است. در آن، انواع عذاب و درد و عقوبت كه به فكر، خطور نمی‌كند وجود دارد.

خداوند در مورد بهشت، می‌فرماید:

﴿وَسَارِعُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ وَجَنَّةٍ عَرۡضُهَا ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ أُعِدَّتۡ لِلۡمُتَّقِينَ ١٣٣﴾ [آل‌عمران: 133].

«و به سوی آمرزشی از - جانب - پروردگارتان و بهشتی كه پهنایش - هم چون - آسمان‌ها و زمین است و برای پرهیزگاران فراهم شده است، بشتابید».

هم چنین می‌فرماید:

﴿فَلَا تَعۡلَمُ نَفۡسٞ مَّآ أُخۡفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعۡيُنٖ جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ١٧﴾ [السجدة: 17].

«پس هیچ كس نمی‌داند كه از آنچه مایه روشنی چشم است، چه چیزی برایشان نهان داشته شده است، به (پاس) آنچه می‌كردند (پاداش یافتند)».

و در مورد دوزخ، می‌فرماید:

﴿فَٱتَّقُواْ ٱلنَّارَ ٱلَّتِي وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُۖ أُعِدَّتۡ لِلۡكَٰفِرِينَ﴾ [البقرة: 24].

«پس از آتشی بپرهیزید كه هیزمش مردم و سنگها خواهند بود. و برای كافران آماده شده است».

و هم چنین می‌فرماید:

﴿إِنَّ لَدَيۡنَآ أَنكَالٗا وَجَحِيمٗا ١٢ وَطَعَامٗا ذَا غُصَّةٖ وَعَذَابًا أَلِيمٗا ١٣﴾ [المزمل: 12-13].

«بی‌گمان نزد ما غل و زنجیر و عذاب و آتش سوزان دوزخ است و همچنین و خوراكی گلوگیر و عذابی دردناک وجود دارد».

پروردگارا! ما خواهان بهشتیم و سخنان و اعمالی می‌طلبیم كه ما را به آن نزدیک كند. و از دوزخ و سخنان و اعمالی كه ما را به آن نزدیک كند، به تو پناه می‌بریم.

مقدمه‌اي پيرامون عقيده اسلامي و اهميت آن.

دین اسلام، عقیده و شریعت است.

اما عقیده: منظور اموری است كه نفس، آن را تصدیق می‌كند و قلب، به آن اطمینان دارد و برای صاحبانش (مومنان) اموری یقینی است كه هیچ شک و تردیدی در آنها وجود ندارد.

و اما شریعت: تكالیف عملی مانند: نماز، زكات، روزه، نیكی به پدر و مادر و... است كه اسلام ما را به سوی آنها فرا می‌خواند.

پایه‌های عقیده اسلامی عبارتند از: ایمان به خدا، و فرشتگان و كتاب‌های خدا، و پیامبران خدا و آخرت و ایمان به قضا و قدر و خیر و شر آن.

و دلیل‌اش این است كه خداوند می‌فرماید:

﴿لَّيۡسَ ٱلۡبِرَّ أَن تُوَلُّواْ وُجُوهَكُمۡ قِبَلَ ٱلۡمَشۡرِقِ وَٱلۡمَغۡرِبِ وَلَٰكِنَّ ٱلۡبِرَّ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلۡكِتَٰبِ وَٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ﴾ [البقرة: 177].

«این كه چهره‌هایتان را به سوی مشرق و مغرب كنید، نیكی نیست، بلكه نیكوكار كسی است كه به خدا و روز قیامت و فرشتگان و كتاب و پیامبران ایمان بیاورد».

و دلیل بر قضا و قدر، خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّا كُلَّ شَيۡءٍ خَلَقۡنَٰهُ بِقَدَرٖ ٤٩ وَمَآ أَمۡرُنَآ إِلَّا وَٰحِدَةٞ كَلَمۡحِۢ بِٱلۡبَصَرِ٥٠﴾ [القمر: 49-50].

«بى‌گمان ما هر چیزی را به اندازه لازم و از روی حساب آفریده ایم. فقط یكی است كه در یک چشم بهم زدن تحقق می‌یابد».

و رسول اكرم مى‌فرماید: «الإيْمَانُ أَنْ تُؤْمِنَ باِللهِ وَمَلاَئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ» مسلم. «ایمان یعنی این كه: خدا و فرشتگان خدا و كتاب‌ها و فرستادگان خدا و روز قیامت و سرنوشت وخیر و شر آن را باور داشته باشی».



اهميت عقيده اسلامي

اهمیت عقیده اسلامی از انجام امور بسیاری آشكار می‌شود كه بعضی از آن‌ها عبارتند از:

1- نیاز ما به این عقیده، برتر از هر نیاز دیگری است، و ضرورت ما به این عقیده، برتر از هر ضرورت دیگری است. زیرا هیچ سعادت و نعمت و سروری برای قلبها وجود ندارد مگر به پرستش خدا و آفریننده دلها.

2- بزرگ‌ترین و مهمترین فریضه، عقیـده اسـلامـی است. بدین جهت، اولین چیزی است كه از مردم، مطالبه می‌شود. چنان كه رسول خدا می‌فرماید: «(أُمِرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتّي يَشْهَدُوا أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهَ وَأَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ)». متفق علیه. «به من دستور داده شده است كه با مردم بجنگم تا این كه گواهی دهند هیچ معبود بحقی جز خدای یكتا وجود ندارد و محمد فرستاده خداست».

3- عقیده اسلامی تنها عقیده‌ای كه باعث ایجاد امنیت و استقرار و سعادت و شادكامی می‌گردد. چنان كه خداوند متعال می‌فرماید:

 ﴿بَلَىٰۚ مَنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ فَلَهُۥٓ أَجۡرُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ١١٢﴾ [البقرة: 112].

«آری، هر كس خالصانه رو به خدا كند، او پاداش خود را در نزد پروردگارش دارد، و نه بیمی بر آنان است، و نه آنان اندوهگین شوند».

چنان كه عقیده اسلامی تنها عقیده‌ای است كه عافیت و رفاه را محقق مىسازد، خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَوۡ أَنَّ أَهۡلَ ٱلۡقُرَىٰٓ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوۡاْ لَفَتَحۡنَا عَلَيۡهِم بَرَكَٰتٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ﴾ [الأعراف: 96].

«و اگر اهل (آن) شهرها ایمان مىآوردند و پروا داشتند، قطعاً از آسمان و زمین (درِ) بركت‌هایی را بر آنان مى‌گشودیم».

4- عقیده اسلامی باعث رسیدن بحاكمیت و برپایی حكومت اسلامی می‌گردد. خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَقَدۡ كَتَبۡنَا فِي ٱلزَّبُورِ مِنۢ بَعۡدِ ٱلذِّكۡرِ أَنَّ ٱلۡأَرۡضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ ٱلصَّٰلِحُونَ ١٠٥﴾ [الأنبیاء: 105].

«ما علاوه بر قرآن، در تمام كتب - انبیاء پیشین- نوشته ایم كه بی‌گمان - سراسر روی - زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد».



ايمان به خداوند عز وجل:

معنای ایمان به خدای عز‌وجل: گواهی راستین به وجود او و اقرار به ربوبیت و الوهیت و اسما و صفات اوست.

پس ایمان به خدا، متضمن چهار چیز است:

1. ایمان به وجود خداوند سبحان.
2. ایمان به ربویبت خداوند متعال.
3. ایمان به الوهیت خداوند متعال.
4. ایمان به اسما و صفات خداوند متعال.

اینک در مورد آنها بطور كامل، سخن می‌گوییم.

الف- ایمان به وجود خداوند متعال:

اقرار به وجود خداوند متعال، امری فطری است كه كسی در مورد آن اختلاف نظر ندارد. و جز عده‌ای از ملاحده (كفار بی‌دین) بیشتر مردم، به وجود خدا معترفند و مخالفتی ندارند.

و هر مخلوقی، فطرت خود را بدون هیچ آموزشی به خالق خود نسبت می‌دهد، و از سوی دیگر درخواست دعا و اجابت آن از سوی خدا، بطور یقین دلالت بر وجود خداوند متعال دارد، چنانكه می‌فرماید:

﴿إِذۡ تَسۡتَغِيثُونَ رَبَّكُمۡ فَٱسۡتَجَابَ لَكُمۡ﴾ [الأنفال: 9].

«آنگاه كه از پروردگارتان كمک می‌خواستید، پس – دعای - شما را پذیرفت».

ب- همگان می‌دانند كه هر حادثه ای، آفریننده‌ای دارد. بنابراین تمام مخلوقات و آنچه كه پیرامون ما مشاهده می‌شوند، باید خالقی داشته باشند كه آن هم خداوند متعال است، زیرا ممكن نیست كسی یا چیزی آفریده شود ولی آفریدگاری نداشته باشد. زیرا هیچ كسی(یا چیزی) نمی‌تواند خودش را بیافریند.

خداوند می‌فرماید:

﴿أَمۡ خَلَقُواْ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۚ بَل لَّا يُوقِنُونَ ٣٦﴾ [الطور: 35].

«آیا بدون آفریدگار، خلق شده‌اند؟ یا این كه خود، آفریننده‌اند؟».

پس معنـای آیه كریمه: یعنی بدون آفریننده، خلق نشده‌اند و خودشان هم خود را نیافریده‌اند، بوضوح روشن می‌سازد كه آفریننده آنها خداوند تبارک و تعالی است .

ج- نظم و ترتیب حاكم بر جهان هستی، اعم از آسمان و زمین، ستارگان و... یقیناً دلالت می‌كند كه این دنیا آفریننده‌ای دارد و آن هم خداوند پاک و منزه است، چنانكه می‌فرماید:

﴿صُنۡعَ ٱللَّهِ ٱلَّذِيٓ أَتۡقَنَ كُلَّ شَيۡءٍۚ إِنَّهُۥ خَبِيرُۢ بِمَا تَفۡعَلُونَ﴾ [النمل: 88].

«آفرینش آن خدائی است كه همه چیز را در كمال استواری پدید آورده است، بی‌گمان او از آنچه می‌كنید، باخبر است».

پس ملاحظه می‌فرمایید كه این جهان با كهكشانهای فراوان كه هر كدام، میلیونها ستاره دارد، بر اساس نظم خاصی در گردش است. به گونه‌ای كه هیچ یک از آنها از مدار تعیین شده خود تجاوز نمی‌كند و به دیگری برخورد نمی‌نماید و از بین نمی‌رود. و هر یک در محل تعیین شده خود، انجام وظیفه می‌كند.

خداوند می‌فرماید:

﴿لَا ٱلشَّمۡسُ يَنۢبَغِي لَهَآ أَن تُدۡرِكَ ٱلۡقَمَرَ وَلَا ٱلَّيۡلُ سَابِقُ ٱلنَّهَارِۚ وَكُلّٞ فِي فَلَكٖ يَسۡبَحُونَ ٤٠﴾ [یس: 40].

«نه آفتاب را می‌رسد كه ماه را دریابد، و نه شب پیشی گیرنده از روز است، و هر یک در آسمانی سیر می‌كنند».

2- ایمان به ربوبیت خدای تعالی:

1- معنای ایمان به ربوبیت خدای تعالی: اقرار به این كه خدا، رب و معبود همه چیز و مالک و آفریننده و رازق آن است، و اوست كه زنده می‌كند، و می‌میراند، و اوست كه نفع و زیان می‌رساند، و تمامی كارها برای اوست، و خیر در دست اوست، و بر همه چیز، قادر و تواناست، و در همه موارد فوق، شریكی ندارد.

ایمان به ربوبیت خدا، یعنی تصدیق قطعی به اینكه او پروردگار یكتا است كه هیچ شریكی ندارد و عبادت، مخصوص اوست و به تنهایی همه كارهایش را انجام می‌دهد و همچنین ایمان به ربوبیت یعنی اعتقاد به اینكه او تنها خالق همه موجودات عالم هستی می‌باشد. چنانكه می‌فرماید:

﴿ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖ﴾ [الزمر: 62].

«خداوند آفریننده همه چیز است».

و نیز تنها اوست كه به همه موجودات روزی می‌دهد. چنانكه می‌فرماید:

﴿وَمَا مِن دَآبَّةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ رِزۡقُهَا﴾ [هود: 6].

«و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر آن كه روزی‌اش بر - عهده- خداوند است».

و او مالک همه چیزهاست، همان طور كه می‌فرماید:

﴿لِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا فِيهِنَّ﴾ [المائدة: 120].

«فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آنهاست از آنِ خداوند است».

ب ـ خداوند یكتایی خود در ربوبیت بر تمامی موجودات را در قرآن، بیان داشته و فرموده است:

﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢﴾ [الفاتحة: 2].

«تمامی ستایش از آن خداست، كه پروردگار جهانیان می‌باشد».

رب العالمین: یعنی خالق، مالک، هدایت كننده و پرورش دهنده آنها با انواع نعمت‌ها است.

ج ـ خداوند، ایمان به ربوبیت خود را در فطرت انسانها بودیعه نهاده است، حتی مشركین عرب در زمان پیامبر اكرم دارای چنین اعتقادی بودند. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿قُلۡ مَن رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ ٱلسَّبۡعِ وَرَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ ٨٦ سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٨٧ قُلۡ مَنۢ بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيۡءٖ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيۡهِ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٨٨ سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ فَأَنَّىٰ تُسۡحَرُونَ ٨٩﴾ [المؤمنون: 86-89].

«بگو: پروردگار آسمان‌های هفتگانه، و پروردگار عرش بزرگ چه كسی است؟ خواهند گفت: - همه - از آنِ خداوند هستند، بگو: پس چرا پرهیزگاری نمی‌كنید؟ بگو: چه كسی است كه ملكوت هر چیز به دست اوست، و او پناه می‌دهد و كسی را - نمی‌توان - از عذاب او پناه داد. اگر می‌دانید - بگویید - ، خواهند گفت:- همه آنها - از آنِ خداوند است، بگو: پس از كجا فریب داده می‌شوید؟»([[1]](#footnote-1)).

گفتنی است كه تنها ایمان به ربوبیت خدا برای مسلمان بودن كافی نیست، بلكه باید به الوهیت خدا نیز ایمان آورد. زیرا رسول خدا با مشركینی كه اعتقاد به ربوبیت خدا داشتند جنگید ( تا به الوهیت خدا نیز ایمان بیاورند).

د- همه موجودات جهان هستی از آسمان گرفته تا زمین، كهكشانها، ستارگان و درختان، انسانها، جن‌ها و... همه مطیع و فرمانبردار خدایند، چنان كه می‌فرماید:

 ﴿وَلَهُۥٓ أَسۡلَمَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ طَوۡعٗا وَكَرۡهٗا وَإِلَيۡهِ يُرۡجَعُونَ﴾ [آل‌عمران: 83].

«آنان كه در آسمان‌ها و زمین‌اند، خواه ناخواه فرمانبردار او شده‌اند، و به سوی او برگردانده می‌شوند».

پس هیچ مخلوقی خارج از قضاء و قدر الهی نیست. چرا كه خداوند مالک آنها است و هر طور كه بخواهد بر اساس حكمت خود در امور آنها دخل و تصرف می‌نماید. و او آفریننده همه آنها است و هر چه غیر از او است، مخلوق و محتاج خدا می‌باشند.

 هـ- حال كه چنین است، پس خالقی غیر از خـدا و روزی دهنده و تدبیر كننده‌ای غیر از او وجود ندارد. و هیچ ذره‌ای به حركت در نمی‌آید مگر به خواست او. بنابراین باید دلها را فقط متوجه خدا بسازیم و خواسته‌ها و نیازمندی‌های خود را از او بخواهیم و به او توكل كنیم كه خالق ، روزی دهنده و مالک ما است.

3 ـ ایمان به الوهیت خدای تعالی:

الف- یعنی تصدیق قطعی به اینكه فقط خدای یگانه شایسته همه عبادات ظاهری و باطنی مانند: دعا، ترس، توكل، یاری، نماز، زكات و روزه می‌باشد.

پس در این صورت است كه بنده یقین می‌كند كه فقط خدا معبود اوست و شریكی ندارد و معبود به حقی جز او وجود ندارد، چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿وَإِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ١٦٣﴾ [البقرة: 163].

«و معبودتان، معبودی یگانه است، و هیچ معبودِ (بحقی) جز او كه بخشاینده و مهربان است، وجود ندارد».

خداوند در این آیه به ما خبر داده كه معبود، یكی است و یكتا است . پس نباید جز او كسی دیگر به معبودی گرفته و پرستش شود.

ب- همچنین ایمان به الوهیت خدا:

یعنی اعتراف به این كه فقط خدا إله و معبود به حق است و شریكی ندارد، و إله یعنى: معبودی كه كه او را دوست بداریم و تعظیم كنیم و تمامی عبادات خود را فقط برای او انجام دهیم و غیر از او كسی دیگر را نخوانیم، و غیر از او، از كسی دیگر نترسیم، و غیر از او، به كسی دیگر توكل نكنیم، و در برابر كسی دیگر سجده نكنیم و اطاعت و خضوع ننمائیم، مگر برای او. پس هیچ كس شایسته عبادت نیست مگر خدای سبحان. چنانكه می‌فرماید:

﴿إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ٥﴾ [الفاتحة: 5].

«تنها تو را بندگی می‌كنیم، و تنها از تو یاری می‌جوییم».

ج ـ اهمیت ایمان به الوهیت خداوند:

موارد زیر بیانگر اهمیت ایمان به الوهیت می‌باشند:

1- هدف ار آفرینش انسانها و جن‌ها عبادت خدای یكتا است كه شریكی ندارد.چنانكه می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ ٥٦﴾ [الذاریات: 56].

«و جن و انس را نیافریده ام مگر برای اینكه مرا بندگی كنند».

2- مقصود از ارسال پیامبران علیهم السلام و نازل كردن كتابهای آسمانی نیز اقرار به این است كه خدا معبود به حق می‌باشد. چنانكه می‌فرماید:

﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ﴾ [النحل: 36].

«و به یقین در - میان - هر امتی رسولی را برانگیختیم، - با این دعوت - كه: خدا را بندگی كنید و از طاغوت بپرهیزید».

3- اولین چیزی كه بر هر شخص واجب است، ایمان به الوهیت خدای متعال می‌باشد. چنانكه در سفارش پیامبر اكرم به معاذ بن جبل هنگام فرستادن او به یمن آمده است: «إِنَّكَ تَأْتِي قَوْماً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ فَلْيَكُنْ أَوَّلُ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ شَهَادَةَ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ». متفق علیه. ترجمه: «تو نزد مردمی می‌روی كه اهل كتاب‌اند. یعنی یهود و نصارا می‌باشند. پس اولین چیزی كه باید آنها را به سوی آن دعوت كنی این است كه هیچ معبود بحقی غیر از خدای یكتا وجود ندارد».

یعنی آنها را دعوت كن تا تمامی عبادات را فقط برای خدای یكتا انجام دهند .

د ـ معنای لا إله إلاَّ الله:

این كلمه‌ی بزرگ، اولین و آخرین واجب بر هر شخص می‌باشد. بنابراین هر كس با اعتقاد بر این كلمه بمیرد اهل بهشت است. چنانكه رسول خدا می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ دَخَلَ الجَنَّةَ». (مسلم). «هر كس در حالی بمیرد كه بداند هیچ معبود به حقی جز خدا وجود ندار، وارد بهشت می‌شود».

پس دانستن و شناخت لا إله إلاَّ الله از بزرگترین و مهم ترین واجبات است.

لا إله إلاَّ الله یعنی هیچ معبود بحقی جز خدای یگانه وجود ندارد.

مطلب فوق تمامی صفات خدا را از غیر خدا نفی می‌كند و آن را برای خدای یكتا كه شریكی ندارد، اثبات می‌گرداند.

اله: یعنی معبود و هر كس، چیزی یا كسی را بپرستد آن كس یا چیز، معبود او است.

و تنها خدای متعال است كه معبود حقیقی می‌باشد و دلها با محبت و اجلال و تعظیم و فروتنی و خضوع و ترس و توكل بر او، و طلب دعا او را عبادت می‌كنند .

و هیچگونه شادی و سعادتی نصیب دلها نمی‌شود، مگر با تحقق مفهوم لا اله الا الله. زیرا شادكامی و زندگی خوب در گرو عبادت خدای یكتا است.

هـ- اركان لا إله إلاَّ الله:

این كلمه بزرگ دو ركن دارد:

ركن اول: «لا إله» است كه عبادت غیر خدا را نفی می‌كند و شرک را باطل و كفر ورزیدن به معبودان باطل را واجب می‌داند.

ركن دوم: «إلاَّ الله» یعنی اثبات عبادت برای خدای یكتا، و انجام انواع عبادت برای او.

چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿مِنَ ٱلۡغَيِّۚ فَمَن يَكۡفُرۡ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰ﴾ [البقرة: 256].

«پس هر كس كه به عبادت طاغوت كفر ورزد، و به خدا ایمان آورد، - بداندكه - به دستاویزی - بس - محكم چنگ زده است».

پس: (فمن یكفر بالطاغوت) معنای ركن اول، (لا إله) و (ویؤمن بالله) معنای ركن دوم (إلاَّ الله) را در بر دارد.

و ـ شرائط لا إله إلاَّ الله:

گفتنی است كه در شهادت آوردن، یعنی لا إله إلاَّ الله گفتن باید هفت شرط رعایت شود وگرنه گوینده آن سودی نمی‌برد.

1- دانستن معنی لا إله إلاَّ الله: چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿فَٱعۡلَمۡ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ﴾ [محمد: 19].

«پس بدان كه معبود – بحقی - جز خدا وجود ندارد».

2- یقین: یعنی گوینده آن، به آنچه كه این كلمه بر آن دلالت می‌كند، باور كامل داشته باشد. ولی اگر در این مورد دچار شک و تردید شود، كلمه فوق به او نفعی نمی‌رساند. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ لَمۡ يَرۡتَابُواْ﴾ [الحجرات: 15].

«بدون شک مؤمنان واقعی كسانی هستند كه بخدای یكتا و پیامبرش ایمان آوردند سپس هیچگاه شكی به دل راه ندادند».

3- پذیرفتن آنچه این كلمه بر آن دلالت دارد. یعنی عبادت خدای یكتا و ترک عبادت غیر او. پس اگر گوینده این كلمه تمامی عبادات را فقط برای خدا نداند، مانند كسی است كه خداوند در مورد آنها می‌فرماید:

﴿إِنَّهُمۡ كَانُوٓاْ إِذَا قِيلَ لَهُمۡ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ يَسۡتَكۡبِرُونَ ٣٥ وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُوٓاْ ءَالِهَتِنَا لِشَاعِرٖ مَّجۡنُونِۢ ٣٦﴾ [الصافات: 35-36].

«آنان چنان بودند كه وقتی به آنها گفته می‌شد: معبود به حقی جز خداوند – یگانه – وجود ندارد، سركشی می‌كردند و می‌گفتند: آیا ما معبودانِ خویش را به خاطرِ – سخن - شاعری دیوانه ترک گوییم؟».

4- تسلیم در برابر آنچه كه این كلمه بر آن دلالت دارد. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَن يُسۡلِمۡ وَجۡهَهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰۗ وَإِلَى ٱللَّهِ عَٰقِبَةُ ٱلۡأُمُورِ ٢٢﴾ [لقمان: 22].

«و هر كس نیكوكارانه روی – دلِ - خویش به سوی خداوند آورد، بداند كه به دست آویزی محكم چنگ زده است».

«یسلم وجهه» یعنی: تسلیم فرمان او بشود.

«عروة الوثقی» همان «لا إله إلاَّ الله» است.

5- صدق در گفتن لا اله الا الله: یعنی از صمیم قلب، این كلمه را بگوید. رسول اكرم در این مورد می‌فرماید: «(مَا مِنْ أَحَدٍ يَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صِدْقًا مِنْ قَلْبِهِ إِلاَّ حَرَّمَهُ اللهُ عَلَي النَّارِ)». [متفق علیه]. «هر كس گواهی دهد كه معبود به حقی جز خدای یكتا وجود ندارد، و محمد بنده و فرستاده او است، و این گواهی، صادقانه و از صمیم قلبش باشد، به طور یقین خداوند آتش جهنم را بر او حرام مى‌گرداند».

6- اخلاص: یعنی خالص گردانیدن عمل از انواع شرك. بدینصورت كه شخص، با گفتن این سخن قصد به دست آوردن چیزهای دنیوی را نداشته باشد، رسول الله می‌فرماید: «إِنَّ اللهَ حَرَّمَ عَلَي النَّارِ مَنْ قَالَ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ، يَبْتَغِى بِذَلِكَ وَجْهَ اللهِ» [متفق علیه] . «همانا خداوند، آتش را بركسی كه شهادت دهد معبود به حقی جز خدای یكتا وجود ندارد و این سخن را فقط بخاطر رضای خدا بگوید، حرام كرده است».

7- دوست داشتن این كلمه و آنچه بر آن دلالت دارد و دوست داشتن كسی كه به آن عمل نماید. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَندَادٗا يُحِبُّونَهُمۡ كَحُبِّ ٱللَّهِۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَشَدُّ حُبّٗا لِّلَّهِ﴾ [البقرة: 165].

«و بعضی از مردم كسانی هستند كه غیر از خدا همتایانی را -برای او- برمی‌گزینند. آنها را مانند دوست داشتن خدا، دوست می‌دارند ـ و مؤمنان، خدا را سخت دوست دارندـ».

پس اهل «لا إله إلاَّ الله» با خدا دوستی خالصانه دارند، و مشركین در محبت خدا نیز شرک می‌ورزند، یعنی معبودان دیگری را نیز دوست می‌دارند و این كار با معنی لا اله الا الله منافات دارد.

ز- معنای عبادت:

عبادت: اسم جامعی برای تمامی گفتار و كردار نهان و آشكاری است كه خدا دوست دارد و می‌پسندد. مانند: محبت خدا و رسول ترس از خدا، توكل بر او، خواستن از خدا، نماز، زكات، اطاعت از پدر و مادر، ذكر خدای متعال، جهاد با كفار و منافقین و...

پس عبادت انواع زیادی دارد كه شامل انواع طاعات نیز می‌شود، مانند: تلاوت قرآن، نیكی به فقرا و نیازمندان، راستگویی، امانت داری و گفتار نیك.

پس عبادت شامل تمامی كارهای مؤمن می‌شود كه آنها را به نیت نزدیک شدن با خدا انجام می‌دهد.

حتی اگر خوردن، آشامیدن و خوابیدنش به قصد اطاعت از خدا باشد، اجر و پاداش دریافت خواهد كرد.

خلاصه اینكه اگر همین عادات ما به نیت رضای خدا انجام گیرد، به عبادت تبدیل مىشود و مستحق اجر و پاداش می‌گردد. چرا كه عبادت فقط نماز و روزه نیست.

ح- خداوند، خلایق را به خاطر عبادت خود آفریده است. چنانكه می‌فرماید:

 ﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ ٥٦ مَآ أُرِيدُ مِنۡهُم مِّن رِّزۡقٖ وَمَآ أُرِيدُ أَن يُطۡعِمُونِ ٥٧ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلرَّزَّاقُ ذُو ٱلۡقُوَّةِ ٱلۡمَتِينُ ٥٨﴾ [الذاریات: 56-58].

«و جن و انس را جز برای آن كه مرا بندگی كنند نیافریده ام، از آنان نه درخواست روزی می‌كنم و نه می‌خواهم كه به من خوراک بدهند. تنها خدا روزی رسان و صاحب قدرت و نیرومند است و بس».

خداوند سبحان حكمت آفرینش جن و انس را انجام عبادت می‌داند در حالی كه به عبادت آنها نیازی ندارد، بلكه آنها به سبب نیازمند بودن به خدا به عبادت او نیازمند‌اند.

گفتنی است نیاز بنده به عبادت خدا و شرک نورزیدن به او از نیاز به آب و غذا هم مهمتر است.

و اگر قلب انسان، حلاوت عبادت و اخلاص را بچشد، هیچ چیزی نزد او شیرین‌تر از عبادت نخواهد بود.

همچنین هیچ كس بدون قرار گرفتن در حلقه بندگی خدا از چنگ مشكلات دنیا رها نمی‌شود.

ط ـ اركان عبادت:

عبادتی كه خدا ما را به آن موظف ساخته است دو ركن دارد.

1 ـ كمال فروتنی و ترس .

2 ـ كمال محبت .

پس عبادتی كه خداوند بر بندگانش فرض نموده باید با كمال فروتنی و ترس، و همراه با كمال محبت و شوق و امید به خدا، انجام گیرد.

باید گفت: محبت بدون ترس و فروتنی مانند دوست داشتن خوراک و مال، عبادت نیست. همانطور كه ترس بدون محبت، مانند ترس از حیوان درنده نیز عبادت به شمار نمی‌رود بلكه هرگاه ترس و محبت در انجام عملی با هم جمع شوند عبادت گفته مىشود، و عبادت، صحیح نیست جز برای خدای یكتا.

ی ـ توحید سبب قبول شدن عبادت است:

عبادتی كه خداوند به آن امر كرده، جز با توحید او، عبادت گفته نمی‌شود. پس عبادت توأم با شرک، درست نیست و به هیچ كس نمی‌توان گفت كه خدا را عبادت نموده است مگر اینكه عبادتش همراه توحید انجام گرفته باشد.پس هر كس خدا را عبادت كند و در عبادتش كسی دیگر را شریک سازد، در واقع خدا را بندگی نكرده است.

پس توحید خدا و اخلاص عبادت برای او و شرک نورزیدن به او در قبول عبادت، نزد خدا شرط است. علاوه بر این كه عبادت قبول نمی‌شود، مگر اینكه مطابق با شریعت اسلام و سنت پیامبر باشد.

پس شروط قبول شدن عمل نزد خدا، دو چیز مىباشند كه عبارت‌اند از:

1. غیر از خدا كسی دیگر را پرستش نكند كه به این توحید می‌گویند.
2. مطابق دستور خدا و سنت رسول اكرم عبادت نماید، چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿بَلَىٰۚ مَنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ فَلَهُۥٓ أَجۡرُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ١١٢﴾ [البقرة: 112].

«آری، هر كس كه نیكوكارانه روی دل به سوی خدا نهد، او پاداش خود را در نزد پروردگارش دارد، و نه بیمی بر آنان است، و نه آنان اندوهگین شوند».

﴿أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ﴾ یعنی به حقیقت توحید پی بردن و عبادت را فقط برای خدا انجام دادن .

﴿وَهُوَ مُحۡسِنٞ﴾ یعنی پیروی كردن از رسول خدا.

ک ـ شرک: شرک، مخالف با ایمان به الوهیت خـدای یگانه است. و اگر ایمان به الوهیت خدای یكتا و انجام عبادات برای خـدا از مهمترین واجبات است، پس شرک هم بزرگترین گناه و معصیت نزد خدا به شمار می‌رود كه هرگز آنرا نمى‌بخشد. چنانكه می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغۡفِرُ أَن يُشۡرَكَ بِهِۦ وَيَغۡفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُ﴾ [النساء: 48].

«به راستی خداوند این را كه به او شرک ورزیده شود، نمی‌بخشد، و جز آن را برای هر كس كه بخواهد می‌بخشد».

و هم چنین می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱلشِّرۡكَ لَظُلۡمٌ عَظِيمٞ﴾ [لقمان: 13].

«به راستی كه شرک ستمی بزرگ است».

و وقتی از رسول خدا پرسیدند: بزرگترین گناه چیست؟ فرمود: «أنَ تَجْعَلَ للهِ نِداًّ وَهُوَ خَلَقَكَ». متفق عليه. «این كه با خدا شرک بورزی در حالی كه تو او را آفریده است».

باید گفت كه شرک، طاعات را از بین می‌برد. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَوۡ أَشۡرَكُواْ لَحَبِطَ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ﴾ [الأنعام: 88].

«و اگر شرک مىورزیدند، آنچه را كه كرده بودند، از - نامه اعمال - آنان زدوده می‌شد».

همچنین فرد مشرک برای همیشه در آتش دوزخ باقی می‌ماند. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّهُۥ مَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدۡ حَرَّمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ ٱلۡجَنَّةَ وَمَأۡوَىٰهُ ٱلنَّارُ﴾ [المائدة: 72].

«بی‌گمان كسی كه به خداوند شرک آورد، خداوند بهشت را بر او حرام می‌گرداند و جایگاهش آتش – دوزخ – است».

شرک بر دو نوع است:

شرک أكبر، و شرک اصغر:

1- شرک اكبر: انجام یكی از عبادات را برای غیر خدا شرک اكبر گویند.

مانند خواستن روزی یا تندرستی از غیر خدا. و یا توكل بر غیر خدا، و یا سجده برای غیر او. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡ﴾ [غافر: 60].

«و پروردگارتان گفت: مرا (به دعا) بخوانید تا برایتان اجابت كنم».

همچنین می‌فرماید

﴿وَعَلَى ٱللَّهِ فَتَوَكَّلُوٓاْ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾ [المائدة: 23].

«و اگر ایمان دارید - باید كه - بر خدا توكل كنید».

و نیز می‌فرماید:

﴿فَٱسۡجُدُواْۤ لِلَّهِۤ وَٱعۡبُدُواْ۩ ٦٢﴾ [النجم: 62].

«پس برای خداوند سجده كنید و (او را) بندگی نمایید».

حال كه دعا و توكل و سجده از عباداتی است كه خدا به آن امر نموده، اگر شخصی آنها را برای خدا انجام دهد، موحد و مؤمن می‌باشد، و در غیر این صورت، مشرک و كافر است.

2- شرک اصغر: هر سخن یا عملی است كه فرد را به سوی شرک اكبر بكشاند.

مانند: مسجد قرار دادن قبو،‌بدین معنی كه كنار قبر نماز بخواند یا بر قبر، مسجد بسازد و این كار، حرام می‌باشد و صاحب آن به لعنت و دور بودن از رحمت‌خدا وعده داده شده است. چنانكه رسول خدا ‌ می‌فرماید: «لَعْنَةُ الله عَلي الْيَهُودِ وَالنَّصَارَي اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ». متفق علیه. «لعنت خدا بر یهود و نصارا باد كه قبرهای پیامبران خود را تبدیل به مسجد كرده‌اند».

پس مسجد قرار دادن قبور ،حرام است. زیرا وسیله‌ای برای طلب دعا از مردگان و درخواست نیاز از آنان می‌باشد كه خود شرک اكبر به شمار می‌رود .

4- ایمان به اسما و صفات خدا:

الف- توصیف خدا به نامها و صفاتی كه خود ذكر كرده و یا رسول خدا او را آنطور كه شایسته ذات او است بدانها ستوده. و خداوند در اسما و صفات خود بی‌نظیر است. چنانكه می‌فرماید:

﴿فَاطِرُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ جَعَلَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا وَمِنَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ أَزۡوَٰجٗا يَذۡرَؤُكُمۡ فِيهِۚ لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ١١﴾ [الشوری: 11].

«او آفریننده آسمان‌ها و زمین است. از خودتان برای شما همسرانی قرار داده است، و چهارپایان را نیز نر و ماده آفریده است. با این - تدبیر- تعداد شما را زیاد می‌كند. هیچ چیزی همانند خدا نیست، و او شنوا و بیناست».

پس خداوند در تمامی اسماء و صفات خود از مشابهت با مخلوق پاک و منزه است.

اسماء خداوند بسیار است كه بعضی عبارتند از:

رحمان(بخشاینده) بصیر(بینا) عزیز(گرامی و ارجمند)، چنانكه می‌فرماید:

﴿ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ٣﴾ [الفاتحة: 3].

«بخشاینده مهربان».

و می‌فرماید:

﴿وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ﴾ [الشوری: 11].

«و او شنوای بیناست».

و می‌فرماید:

﴿وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾ [لقمان: 9].

«و او پیروزمندِ فرزانه است».

ب- نتایج ایمان به اسما و صفات خدا:

1 - شناخت خدا: كسی كه به اسما و صفات خدا ایمان آورد، شناختش نسبت به خدا بیشتر و بطور یقین ایمانش نیز به خدا بیشتر، و توحیدش مستحكم‌تر خواهد شد .

2- سپاس و ستایش خدا به وسیله اسماء و صفات‌اش : و این بهترین نوع ذكر خداست، همان طور كه می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ ذِكۡرٗا كَثِيرٗا ٤١﴾ [الأحزاب: 41].

«ای مؤمنان، خداوند را بسیار یاد كنید».

3- دعا خواستن بوسیله اسما و صفات خدا: چنانكه می‌فرماید:

 ﴿وَلِلَّهِ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ فَٱدۡعُوهُ بِهَا﴾ [الأعراف: 180].

«و خداوند، نامهای نیک دارد. پس او را به آن – نام‌ها – بخوانید».

مانند این كه بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ الرَّزَّاقُ فَارْزُقْنِى…». «خدایا می‌دانم كه روزی دهنده فقط تو هستی پس به من روزی بده».



4- از نتایج ایمان به اسما و صفات خدا: سعادت و زندگی خوب در دنیا و نعمت بهشت در آخرت می‌باشد.

آثار ایمان به خداوند متعال:

ایمان بخدا، آثار و نتایج خوبی هم در دنیا و هم در آخرت دارد. جلب تمامی خوبی‌های دنیا وآخرت و دفع هرگونه شر و بلا از نتایج ایمان است .

در اینجا به عنوان مثال به بعضی از آثار و نتایج ایمان، اشاره می‌شود:

1- خداوند تمامی رنج‌ها و سختی‌ها را از مؤمنین دور می‌سازد و آنها را از گناه باز می‌دارد و در برابر دسیسه‌های دشمن حفاظت می‌كند. چنانكه می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُدَٰفِعُ عَنِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ﴾ [الحج: 38].

«خداوند از مؤمنان دفاع می‌كند - و به سبب ایمانشان پیروزشان می‌گرداند-».

2- ایمان باعث زندگی پاک و رسیدن به سعادت می‌شود. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿مَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَنُحۡيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةٗ طَيِّبَةٗ﴾ [النحل: 97].

«هر كس چه مرد و چه زن كار شایسته انجام دهد، به او زندگی پاكیزه و خوشایندی عطا می‌كنیم».

3- ایمان، نفس انسان را از خرافات پاک می‌گرداند. پس كسی كه حقیقتاً به خدا ایمان بیاورد تمام كارهای خود را به خدا می‌سپارد. چرا كه او رب العالمین و معبود بحقی است كه غیر از او معبود بحقی وجود ندارد. پس مومن، از مخلوق نمی‌ترسد، و قلب خود را وابسته به كسی نمی‌سازد و سرانجام، خود را از دام خرافات و اوهام و خیالات بی‌اساس، آزاد می‌گرداند.

4- یكی دیگر از نتایج ایمان، پیروزی، نجات، رسیدن به خواسته‌های مطلوب و رهیدن از هر ترس و اضطراب است. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدٗى مِّن رَّبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٥﴾ [البقرة: 5].

«این گروه، بر هدایت پروردگارشان قرار دارند و اینان هستند كه رستگارند».

5 ـ بزرگترین نتیجه ایمان، به دست آوردن خشنودی خدای متعال و ورود به بهشت و به دست آوردن نعمت‌های همیشگی، و رحمت كامل خداوندی است.



ايمان به فرشتگان:

الف- ایمان به فرشتگان: یعنی باور قطعی به اینكه خداوند نوعی مخلوق به نام فرشته دارد. چنانكه می‌فرماید:

﴿بَلۡ عِبَادٞ مُّكۡرَمُونَ ٢٦ لَا يَسۡبِقُونَهُۥ بِٱلۡقَوۡلِ وَهُم بِأَمۡرِهِۦ يَعۡمَلُونَ ٢٧﴾ [الأنبیاء: 26-27].

«بلكه - آن فرشتگان - بندگانی گرامی‌اند، در هیچ سخنی بر او پیشی نمی‌گیرند، و آنان به فرمان او كار می‌كنند».

ایمان به فرشتگان متضمن چهار چیز است:

1. ایمان به وجود آنها .
2. ایمان به آنان كه نام آنها را می‌دانیم، مانند: جبریل و ایمان اجمالی به آنهائی كه نامشان ذكر نشده است.
3. ایمان به صفاتی كه از آنها می‌دانیم.
4. ایمان به اعمالی كه به امر خدا انجام می‌دهند، مانند تسبیح و عبادت خدا در شبانه روز بدون خستگی و سستی و بی‌حالی .

باید دانست كه ایمان به فرشتگان، ركنی از اركان ایمان است. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ﴾ [البقرة: 285].

«رسولِ – خدا - به آنچه از – سوی - پروردگارش بر او فرو فرستاده شده، ایمان آورده است، و مؤمنان - هم – بدان باور دارند. همگی به خداوند و فرشتگانش و كتاب‌هایش و فرستادگانش ایمان آورده‌اند».

و رسول الله در تعریف ایمان می‌فرماید: «أَنْ تُؤْمِنَ باِلله وَمَلاَئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَاْليَوْمِ الأَخِرِ وَتُؤْمِنَ بِاِلْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ)». (مسلم) یعنی: «ایمان عبارت است از: اعتقاد به خدا و فرشتگان خدا و كتاب‌ها و پیامبران او و روز قیامت و قضا و قدر و خیر و شر آن».

ب- صفات فرشتگان:

رسول اكرم در مورد آفرینش فرشتگان فرمود كه آنها از نور آفریده شده‌اند. چنانكه می‌فرماید: «خُلِقَتِ اْلمَلاَئِكَةُ مِنْ نُوْرٍ…» (مسلم) «فرشتگان از نور آفریده شده‌اند».

و خداوند نیز در مورد فرشتگان فرموده كه بالهائی دارند و از نظر داشتن تعداد بال، با یكدیگر متفاوت‌اند. چنانكه می‌فرماید:

﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ جَاعِلِ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلًا أُوْلِيٓ أَجۡنِحَةٖ مَّثۡنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَۚ يَزِيدُ فِي ٱلۡخَلۡقِ مَا يَشَآءُۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١﴾ [فاطر: 1].

«ستایش خدای راست كه پدید آورنده آسمان‌ها و زمین است. و فرشتگان را با دو، سه و چهار بال كه دارند، مامور كرد. او هر چه بخواهد در آفرینش می‌افزاید. خداوند بر هر كاری تواناست».

پیامبر خدا جبریل را دید كه ششصد بال دارد.(متفق علیه)

و گاهی ممكن است كه فرشته به خواست خدا به شكل انسان ظاهر شود. چنانكه جبرئیل بارها به شكل انسان نزد مردم آمده است. همچنین فرشتگانی كه خدا آنها را به سوی ابراهیم و لوط علیهما السلام فرستاد به شكل مرد ظاهر شدند.

گفتنی است كه دنیای فرشتگان دنیائی غیبی است و آنها آفریده شده‌اند تا خدا را عبادت كنند و هیچ صفت ربوبیت و الوهیتی ندارند. بلكه بندگانی مطیع و فرمانبردار خدایند. چنان كه خداوند درباره آنها می‌فرماید:

﴿لَّا يَعۡصُونَ ٱللَّهَ مَآ أَمَرَهُمۡ وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ﴾ [التحریم: 6].

«آنان از دستورات خداسرپیچی نمی‌كنند و همان كا را كه بدان امر شده‌اند، انجام می‌دهند».

ج ـ انواع فرشتگان و وظایف آنها:

فرشتگان چند نوع‌اند و هر یک از آنها كار خاصی انجام می‌دهد. از جمله:

1. فرشته‌ای كه مأمور وحی به سوی پیامبران است و جبرئیل نام دارد.
2. فرشته‌ای دیگر مأمورنزول باران و هدایت آن از جائی به جائی دیگر است.
3. فرشته‌ای كه مأمور دمیدن صور (شیپور) است و به اسرافیل می‌گویند.
4. فرشتگانی كه مامور قبض ارواح هستند، مانند ملک الموت و یاران او.
5. فرشتگانی كه مأمور نوشتن اعمال خوب و بد انسانها هستند و به آنها «الكرام الكاتبون» می‌گویند.
6. و فرشتگان دیگری كه مامور حفظ و نگهداری بندگان در هر حال هستند و به آنها «معقبات» می‌گویند.

و برخی از آنها نگهبان دوزخ و آتش‌اند. و عده‌ای دیگر در جستجوی مجالس خوب و ذكر می‌باشند. و برخی دیگر مأموران كوهها هستند و عده‌ای دیگر از آنها به صف ایستاده و خسته نمی‌شوند و خلاصه هیچ كس تعداد سربازان خدا را نمی‌داند .

د- آثار ایمان به فرشتگان:

ایمان به فرشتگان آثار مهمی در زندگی مؤمن دارد از جمله:

1. پی بردن به عظمت خدا و كمال قدرت او. زیرا عظمت مخلوق، دلالت بر عظمت خالق دارد. پس هنگامی كه مؤمن بداند خداوند فرشتگانی از نور آفریده كه دارای بالهای متعددی هستند، خدا را بیشتر مورد تعظیم و تقدیر قرار خواهد داد.
2. استقامت و پایداری بر طاعت خدای تعالی: هر كس ایمان بیاورد كه فرشتگانی وجود دارند و تمامی اعمال او را مىنویسند، از خدا بیشتر خواهد ترسید و پنهان و آشكار معصیت نخواهد كرد.
3. صبر بر اطاعت خدا و احساس آرامش: وقتی كه مؤمن یقین پیدا كند كه در این دنیا هزاران فرشته همراه اوست، كه به بهترین وجه از خدا اطاعت می‌كنند، آرامش به او دست می‌دهد.
4. سپاس و تشكر از خداوند متعال به خاطر عنایتش به بنی آدم كه فرشتگانی جهت حفاظت و نگهداری آنها گماشته است.
5. همواره نابودی دنیا را مد نظر قرار می‌دهد. چون فرشته مرگ را به یاد می‌آورد كه روزی برای قبض روح‌اش خواهد آمد، این امر او را وادار می‌كند تا با ایمان و عمل صالح و نیک خود را برای آخرت، آماده سازد.



ايمان به كتاب‌هاي آسماني:

الف- ایمان به كتاب‌ها: یعنی اعتقاد راسخ به این كه خداوند كتاب‌هایی به وسیله پیامبران، برای بندگانش فرستاده است و این كتاب‌ها كلام خداست و در آنها آنطور كه شایسته او است سخن گفته و در این كتاب‌ها نور و حق و هدایت مردم به سوی دنیا و آخرت وجود دارد.

گفتنی است كه ایمان به كتاب‌های آسمانی شامل سه چیز می‌شود:

1. ایمان به این كه یقیناً خدا آنها را نازل فرموده است .
2. ایمان به كتابهائی كه نام آنها را ذكر كرده است. مانند: قرآن كریم كه بر محمد و تورات كه بر موسی و انجیل كه بر عیسی نازل شده است .
3. ایمان راستین به اخبار صحیحی كه از این كتابها به ما می‌رسد. مانند اخباری كه قرآن بیان داشته است.

باید گفت كه ایمان به كتاب‌های آسمانی یكی از اركان ایمان است. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ ءَامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ مِن قَبۡلُ﴾ [النساء: 136].

«ای مؤمنان! به خدا و رسولش و آن كتابی كه بر رسولش فروفرستاده و آن كتابهایی كه پیش از این نازل كرده است، ایمان بیاورید».

پس خداوند امر فرموده تا به پیامبرش محمد و كتابی كه بر او نازل كرده یعنی قرآن ایمان بیاوریم، چنان كه امر فرموده تا به كتاب‌های نازل شده قبلی نیز ایمان بیاوریم.

و رسول الله در تعریف ایمان فرمودند: «أَنْ تُؤْمِنَ باِلله وَمَلاَئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَاْليَوْمِ الآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ». (مسلم) «ایمان عبارت است از: باور داشتن خدا، فرشتگان، كتاب‌ها، پیامبران خدا، روز قیامت و قضا و قدر خیر و شر آن».

ب- مزایای قرآن كریم:

قرآن كریم، كلام خدا است كه آنرا بر پیامبر ما ؛محمد ؛ نازل كرده است. بنابراین فرد مؤمن، به این كتاب با دیده تعظیم می‌نگرد و تلاش می‌كند تا متمسک به احكام آن شود و آن را تلاوت نماید و در آیات آن بیندیشد.

و همین كافی است كه قرآن هدایت كننده ما در دنیا و سبب پیروزی ما در آخرت می‌باشد .

قرآن كریم دارای ویژگی‌های متعددی است كه آنرا بر كتاب‌های آسمانی گذشته برتری داده است از جمله:

1- قرآن كریم در بر گیرنده خلاصه‌ای از تمام احكام الهی و مؤید آنچه در مورد عبادت خدای یكتا در كتابهای سابق آمده، می‌باشد .

چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَمُهَيۡمِنًا عَلَيۡهِ﴾ [المائدة: 48].

«- ای پیامبر! - بر تو كتاب - قرآن - را نازل كردیم كه ملازم حق و موافق و تصدیق كننده كتاب‌های پیشین و شاهد و حافظ آنهاست».

یعنی این قرآن، تصدیق كننده آنچه در كتاب‌های سابق از وحی صحیح وجود دارد می‌باشد.

﴿وَمُهَيۡمِنًا عَلَيۡهِ﴾ یعنی امین و مورد اطمینان و شاهد و گواه كتابهای سابق.

2- تمسک به قرآن، پیروی از آن و عمل به دستورات آن، بر همه واجب است. خلاف كتاب‌های گذشته كه هر یک متعلق به قوم خاصی بوده است. خداوند می‌فرماید:

﴿وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانُ لِأُنذِرَكُم بِهِۦ وَمَنۢ بَلَغَ﴾ [الأنعام: 19].

«و این قرآن به من وحی شده است تا با آن شما و كسی را كه این قآن به او می‌رسد، بیم دهم».

3- خداوند متعال ضامن حفظ قرآن شده است، و دست تحریف هیچ كس نه به رسیده و نخواهد رسید. چنانكه می‌فرماید:

﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ٩﴾ [الحجر: 9].

«بی‌گمان ما قرآن را فرو فرستاده ایم و از آن، حفاظت خواهیم كرد».

ج- وظیفه ما در برابر قرآن:

اكنون كه با بعضی از امتیازات قرآن و ویژگی‌های آن آشنا شدیم، وظیفه ما در برابر قرآن چیست؟

در پاسخ باید گفت:‌قرآن را باید دوست داشته باشیم و آنرا گرامی بداریم. چرا كه كلام خداوند عزوجل است و صادق ترین و بهترین سخن می‌باشد.

همچنین تلاوت آیات و تدبر در سوره‌های قرآن و اندیشیدن پیرامون اندرزهای و اخبار و قصص آن بر ما واجب است .

و نیز پیروی از احكام آن بر ما واجب است. چنانكه از عایشه ل از خُلُق پیامبر پرسیدند در جواب گفت: «كاَنَ خُلُقُهُ القُرْآنَ)» (مسلم) «خُلُق و خوی او قرآن بود».

یعنی احكام قرآن و دستورات آن در رفتار رسول الله تجسم عینی پیدا كرده بود و او كمال پیروی از قرآن را بجای آورده بود. بدینجهت پیروی از رسول خدا بر ما واجب شد. چون او بهترین پیشوا و الگوی ما است. همان طور كه خداوند می‌فرماید:

﴿لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ لِّمَن كَانَ يَرۡجُواْ ٱللَّهَ وَٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا ٢١﴾ [الأحزاب: 21].

«به راستی برای شما رسول خدا الگوی خوبی است. برای كسی كه امید به خدا داشته و جویای قیامت باشد و خدا را بسیار یاد كند».

د ـ تحریف كتاب‌های آسمانی گذشته:

خداوند در قرآن كریم به ما خبر داده كه اهل كتاب (یهود و نصارا) كتاب‌های خود را تحریف كرده‌اند و آنها را از صورتی كه خدا نازل كرده، خارج ساخته‌اند.

یهودیان، تورات را تحریف و تغییر دادند و احكام آن را به بازی گرفتند. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿مِّنَ ٱلَّذِينَ هَادُواْ يُحَرِّفُونَ ٱلۡكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِۦ﴾ [النساء: 46].

«-گروهی- از یهود هستند كه كلمات را از جایگاهشان تغییر می‌دهند».

نصارا هم احكام انجیل را تحریف نمودند. خـداوند در‌باره آنها نیز می‌فرماید:

 ﴿وَإِنَّ مِنۡهُمۡ لَفَرِيقٗا يَلۡوُۥنَ أَلۡسِنَتَهُم بِٱلۡكِتَٰبِ لِتَحۡسَبُوهُ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَمَا هُوَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ وَمَا هُوَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ٧٨﴾ [آل‌عمران: 78].

«و همانا در میان - اهل كتاب - كسانی هستند كه هنگام خواندن كتاب، زبان به تحریف می‌گشایند تا شما گمان كنید - آنچه می‌خوانند - از كتاب خداست. در حالی كه از كتابهای خدا نمی‌باشد. می‌گویند كه آن از نزد خدا - نازل شده – است و با اینكه از سوی خدا نیامده است. به خدا دروغ می‌بندند. حال آنكه می‌دانند - كه دروغ می‌گویند-».

پس توراتی كه در حال حاضر وجود دارد، آن توراتی نیست كه بر موسی نازل شده و هم چنین انجیل حاضر، آن انجیلی نیست كه بر عیسی نازل شده است .

بلكه تورات و انجیلی كه هم اكنون در دست اهل كتاب می‌باشد شامل عقاید فاسد و اخبار باطل و قصه‌های دروغین است. بنابراین ما آن را تصدیق نمی‌كنیم مگر آنچه قرآن و یا سنت صحیح تایید كرده باشد.

هـ- آثار و نتایج ایمان به كتاب‌های آسمانی:

ایمان به كتاب‌های آسمانی نتایج و آثار متعددی دارد از جمله:

1. پی بردن به عنایت خدا نسبت به بندگان خود و كمال رحمت و شفقت او به آنها، كه برای هدایت هر قومی كتابی فرستاده تا سعادت دنیا و آخرت را به دست آورند.
2. پی بردن به حكمت خدا در شریعت: برای هر قوم آیینی فرستاده كه مناسب احوال و مورد علاقه‌شان بوده است. چنانكه می‌فرماید:

﴿لِكُلّٖ جَعَلۡنَا مِنكُمۡ شِرۡعَةٗ وَمِنۡهَاجٗا﴾ [المائدة: 48].

«بـرای هـر یـک از شمـا شریعـت و راهی قرار داده‌ایم».

1. سپاس و تشكر از خدا بخاطر فرستادن این كتابها كه سراسر نور و هدایت در دنیا و آخرت‌اند.



ايمان به پيامبران:

الف- نیاز مردم به رسالت:

رسالت برای بندگان امری ضروری است و نیاز آنها به رسالت بیشتر از هر نیاز دیگری است. چرا كه رسالت، روح عالم و نور زندگی است. اگر روح و زندگی و نور در عالم نباشد چه خیر و سعادتی در آن وجود خواهد داشت.

دنیای تاریک را جز با طلوع خورشید رسالت، نمی‌توان روشن ساخت و هیچ راهی برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت و شناخت خوب و بد وجود ندارد، مگر از طریق رسالت.

چنانكه خداوند، رسالت را روح نامیده و فرموده است:

﴿وَكَذَٰلِكَ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ رُوحٗا مِّنۡ أَمۡرِنَاۚ مَا كُنتَ تَدۡرِي مَا ٱلۡكِتَٰبُ وَلَا ٱلۡإِيمَٰنُ وَلَٰكِن جَعَلۡنَٰهُ نُورٗا نَّهۡدِي بِهِۦ مَن نَّشَآءُ مِنۡ عِبَادِنَا﴾ [الشوری: 52].

«همچنین روح - قرآن – را به فرمان خود به تو وحی كردیم و - قبل از آن – تو نمی‌دانستی كه كتاب چیست و ایمان كدام است؟ ولی ما قرآن را قرار داده ایم و در پرتو آن هر یک از بندگان خود را كه بخواهیم،‌ هدایت می‌كنیم».

اعتقاد به پیامبران یكی از اركان ایمان است، چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ﴾ [البقرة: 285].

«رسولِ - خدا - به آنچه از - سوی - پروردگارش بر او فروفرستاده شده، ایمان آورده است. و مؤمنان - هم - هر یک به خدا و فرشتگانش و كتاب‌هایش و فرستادگانش ایمان آورده‌اند».

آیه فوق بیانگر آن است كه ایمان به همه پیامبران واجب است. بدون اینكه بین آنها فرقی قائل شد. نه اینكه مانند یهود و نصاری به بعضی از پیامبران ایمان آورد و به بعضی دیگر كفر ورزید.

چنانكه رسول خدا در تعریف ایمان می‌فرماید: «أَنْ تُؤْمِنَ باِللهِ وَمَلاَئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرَسُلِهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَتُؤْمِنَ باِلْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ» مسلم. ترجمه: «ایمان یعنی باور داشتن خدا، فرشتگان خدا، كتاب‌ها، فرستادگان خدا، روز قیامت و سرنوشت و خیر و شر آن».

متأسفانه كشورهائی كه خود را پیشرفته می‌دانند و گرفتار این همه رنج و مشقت و بدبختی هستند، سبب آن روی گردانیدن از رسالت و رهنمودهای آسمانی می‌باشد.

ب- معنای ایمان داشتن به پیامبران:

یعنی تصدیق قطعی به این كه خدا برای هر ملتی پیامبری از جنس خودشان فرستاده تا آنان را به عبادت خدای یكتا دعوت نماید .

و این كه همه پیامبران، صادق بوده و مورد تصدیق خداوند قرار گرفته‌اند با این معنی است كه امین و با تقوا و راهنما و راه یافته بوده‌اند و تمام پیامهای خدا را بدون كتمان و كم و زیاد كردن به مردم رسانیده‌اند. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿فَهَلۡ عَلَى ٱلرُّسُلِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ﴾ [النحل: 35].

«پس آیا بر - عهده - رسولان جز تبلیغ آشكار - مسئولیت دیگری هم - هست؟».

تصدیق این مطلب كه تمامی انبیا، بر حق آشكاری بوده و دعوت همه آنها نیز به توحید بوده است. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ﴾ [النحل: 36].

«و به یقین در-میان- هر امتی رسولی برانگیختیم -با این دعوت- كه: خدا را بندگی كنید و از طاغوت بپرهیزید».

چه بسا كه ادیان انبیا در مسائل فرعی حلال و حرام، با یكدیگر اختلاف داشته‌اند. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿لِكُلّٖ جَعَلۡنَا مِنكُمۡ شِرۡعَةٗ وَمِنۡهَاجٗا﴾ [المائدة: 48].

«بـرای هـر یـک از شـما شریعت و راهی قـرار داده‌ایم».

باید گفت كه ایمان به پیامبران در بر گیرنده چهار چیز است:

1. ایمان به این كه رسالت انبیا از سوی خدا، حق است و هر كس به یكی از آنها كافر شود گویا به تمامی رسالتها كافر شده است.
2. ایمان به تمام كسانی كه خدا نام آنها را ذكر كرده است. مانند محمد، إبراهیم، موسی، عیسی و نوح ‡ و... همچنین ایمان داشتن به پیامبرانی كه نامشان را نمی‌دانیم.
3. پذیرفتن اخبار صحیحی كه از پیامبران به ما رسیده است.
4. عمل به دستورات پیامبری كه به سوی ما فرستاده شده، و اعتقاد به این كه او سرور و خاتم پیامبران است.

ج- تعریف نبی و رسول:

نبی از كلمه نبأ گرفته شده است و یعنی خبر دهنده. پس نبی كسی است كه از سوی خدا خبر می‌آورد. یا از نبوت گرفته شده كه به معنی زمین بلند و مرتفع می‌باشد. پس نبی از همه شریفتر و دارای قدر و منزلت بیشتری می‌باشد.

تعریف اصطلاحی نبی: انسان آزاد و مردی كه خدا او را برای تبلیغ وحی خود برگزیده است.

رسول در لغت: یعنی شخصی كه مامور رسانیدن پیام از جانب كسی باشد.

تعریف اصطلاحی رسول: انسان آزاد و مردی كه خدا به وی شریعت مستقل داده و او را موظف به تبلیغ آن در میان ملتی مخالف نموده است.

فرق بین نبی و رسول:

رسول، خاص‌تر از نبی است. بنابراین، هر رسول نبی است، ولی هر نبی رسول نیست.

پس رسول مامور تبلیغ شریعت خدا در میان ملتی است كه مخالف دین خدا و نسبت به آن بیگانه‌اند.

اما نبی شریعت مستقل ندارد، بلكه برای تبلیغ شریعت پیامبر قبلی فرستاده می‌شود.

د- صفات پیامبران و نشانه‌های آنها:

بارزترین صفت پیامبران علیهم السلام این است كه بشر‌اند و مانند بقیه انسانها نیاز به آب و خوراک و غیره دارند. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا قَبۡلَكَ إِلَّا رِجَالٗا نُّوحِيٓ إِلَيۡهِمۡ﴾ [الأنبیاء: 7].

«و پیش از تو جز مردانی كه به آنان وحی مىكردیم، نفرستادیم».

همچنین مانند سایر انسانها دچار گرفتاری، بیماری و مرگ می‌شوند.

و هیچ یک از خصلتهای ربوبیت و الوهیت در آنها وجود ندارند. بلكه انسانهایی هستند كه در آفرینش اخلاق، به درجه كمال رسیده‌اندو بهترین مردم از جهت نسب می‌باشند و دارای عقل برتر و زبان فصیح هستند كه آنها را در ابلاغ رسالت مقاومت در برابر مشكلات آن، كمک می‌كند.

و حكمت فرستادن پیامبر، از نوع بشر این است كه برای مردم كسی الگو باشد كه از نوع خودشان است. كه طبعاً پیروی از او در توان مردم باشد.

یكی دیگر از صفات پیامبران این است كه خداوند، وحی را به ایشان اختصاص داده است. چنانكه می‌فرماید:

﴿ قُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ﴾ [الکهف: 110].

«بگو: من فقط بشری مانند شما هستم كه به من وحی می‌شود كه معبودتان، معبودی یكتاست».

پس خداوند آنها را از میان مردم انتخاب كرده و برگزیده است. چنانكه می‌فرماید:

﴿ٱللَّهُ أَعۡلَمُ حَيۡثُ يَجۡعَلُ رِسَالَتَهُۥ﴾ [الأنعام: 124].

«خداوند بهتر می‌داند كه رسالتش را به چه كسی واگذار نماید».

و نیز از صفات دیگر پیامبران این است كه، در هر چه از جانب خدا تبلیغ می‌كنند معصوم‌اند و در تبلیغ آن دچار خطا و اشتباه نمی‌شوند.

یكی دیگر از صفات پیامبران، راستگویی است. یعنی در گفتار و كردار خود صادق می‌باشند. چنانكه خداونـد می‌فرماید:

﴿هَٰذَا مَا وَعَدَ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَصَدَقَ ٱلۡمُرۡسَلُونَ﴾ [یس: 52].

«این همان است كه - خدای- رحمان وعده داده بود و رسولان راست گفتند».

و از صفات دیگر آنها صبر و شكیبایی است. پس رسولان، مژده دهنده و بیم دهنده بوده‌اند و مردم را به سوی دین خدا دعوت می‌كرده‌اند.

و از این رهگذر انواع اذیت و آزار و رنج وسختی به آنان رسیده، با این حال در راه اعلای كلمه الله همه آنها را تحمل نموده و صبر پیشه كرده‌اند، خداوند می‌فرماید:

﴿فَٱصۡبِرۡ كَمَا صَبَرَ أُوْلُواْ ٱلۡعَزۡمِ مِنَ ٱلرُّسُلِ﴾ [الأحقاف: 35].

«پس چنان كه پیامبران اولو العزم شكیبایی ورزیدند، شكیبا باش».

اما در مورد نشانه‌های پیامبران باید گفت: خداوند رسولان خود را با معجزه‌های آشكار و دلایل محكم كه دلالت بر صدق رسالت‌شان می‌كند، تایید كرده است.

پس خداوند بوسیله پیامبران خود كارهای شگفت انگیزی انجام می‌دهد كه در توان بشر نیست و به آنها معجزه می‌گویند و بیانگر صدف و اثبات نبوت آنان است.

بعنوان مثال: خبر دادن عیسی به قوم خود از آنچه می‌خوردند و آن چه در خانه‌هایشان ذخیره میكردند، و تبدیل عصای موسی به اژدها، و شق القمر با اشاره انگشت محمد .

هـ- حكمت بعثت پیامبران:

خداوند پیامبران را فرستاده است تا معبود بحق مردم را به آنها بشناساند و آنها را به سوی خدای یكتا كه شریكی ندارد فرا بخوانند.

همچنین دین را زنده نگهدارند و از تفرقه و اختلاف، جلوگیری نمایند. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿شَرَعَ لَكُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِۦ نُوحٗا وَٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ وَمَا وَصَّيۡنَا بِهِۦٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰٓۖ أَنۡ أَقِيمُواْ ٱلدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُواْ فِيهِ﴾ [الشوری: 13].

«خداوند آیینی را برای شما بیان داشته كه آنرا به نوح توصیه كرده است و ما آنرا به تو وحی و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نموده ایم كه دین را پا برجا بدارید و در آن، اختلاف و تفرقه بوجود نیاورید».

و نیز آنها را فرستاده تا مردم را بشارت دهند و آنها را بترسانند. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَا نُرۡسِلُ ٱلۡمُرۡسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ﴾ [الکهف: 56].

«و ما پیامبران را جز بعنوان مژده رسان و بیم دهنده نمی‌فرستیم».

گفتنی است كه بشارت پیامبران و ترسانیدن آن‌ها هم برای دنیا و هم برای آخرت مىباشد و آنها پرهیزكاران را در دنیا به داشتن زندگی پاكیزه بشارت داده‌اند. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿مَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَنُحۡيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةٗ طَيِّبَةٗ﴾ [النحل: 97].

«هر كس چه مرد و چه زن، كار شایسته انجام دهد و مومن باشد، بدو زندگی پاكیزه و خوشایندی غطا می‌كنیم».

همچنین انسانها را از عذاب و نابودی دنیوی بر حذر می‌دارند. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿فَإِنۡ أَعۡرَضُواْ فَقُلۡ أَنذَرۡتُكُمۡ صَٰعِقَةٗ مِّثۡلَ صَٰعِقَةِ عَادٖ وَثَمُودَ ١٣﴾ [فصلت: 13].

«پس اگر روی برگردانند، بگو شما را از صاعقه‌ای مانند صاعقه عاد و ثمود بر حذر می‌داریم».

انسانهای مطیع را به بهشت و نعمتهای آن در آخرت بشارت مى‌دهند. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ يُدۡخِلۡهُ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ﴾ [النساء: 13].

«هر كس از خدا و رسول او فرمان برد، او را به بهشت‌هایی درآورد كه از فرودستِ آن جویباران روان است كه در آن جاودانه خواهند بود، و كامیابی بزرگ این است».

و مجرمین و گناهكاران را از عذاب آخرت مىترسانند. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿وَمِنۡ خَلۡفِهِمۡ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَۖ قَالُواْ لَوۡ شَآءَ رَبُّنَا لَأَنزَلَ مَلَٰٓئِكَةٗ فَإِنَّا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ﴾ [النساء: 14].

«هر كس از خدا و رسول او نافرمانی كند و از حدودش بگذرد، او را وارد آتش (جهنم) می‌كند كه در آن جاودانه خواهد بود، وعذابی خفّت آور - در پیش- دارد».

همچنین خداوند آنها را فرستاد تا بهترین الگوی مردم در رفتار، اخلاق و عبادت باشند. چنانكه می‌فرماید:

﴿لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ لِّمَن كَانَ يَرۡجُواْ ٱللَّهَ وَٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا ٢١﴾ [الأحزاب: 21].

«به راستی برای شما، رسول خدا الگوی خوبی است. - یعنی-برای كسی كه امید به خدا داشته و جویای قیامت باشد و خدا را بسیار یاد كند».

و ـ ایمان آوردن به محمد ، نبی و رسول خدا:

ما ایمان داریم كه محمد بنده و رسول خدا و سرور اولین و آخرین و خاتم انبیا است. كه بعد از او پیامبری نخواهد آمد.

رسالتش را تبلیغ نمود. امانتش را ادا كرد. امت را نصیحت فرمود. و در راه خدا به نحو احسن جهاد كرد.

پس بر ما واجب است كه او را در آنچه به ما خبر داده، تصدیق كنیم. و در آنچه امر فرموده اطاعت نمائیم، و از آنچه نهی كرده دوری جوییم. و خدا را مطابق روش او عبادات كنیم. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ لِّمَن كَانَ يَرۡجُواْ ٱللَّهَ وَٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا ٢١﴾ [الأحزاب: 21].

«به راستی برای شما، یعنی برای كسی كه امید به خدا داشته و جویای قیامت باشد و خدا را بسیار یاد می‌كند، رسول خدا سرمشقی نیكوست».

و واجب است كه محبت او را بر محبت همه، اعم ازپدر و مادر و فرزند و غیره مقدم بداریم. چنان كه خود می‌فرماید: «لاَ‌يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّي أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ وَوَلَدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِيْنَ». متفق علیه. ترجمه: «ایمان هیچ یک از شما كامل نمی‌شود مگر این كه من نزد او از پدر و - مادر- و فرزند و تمامی مردم، محبوبتر باشم».

و دوستی حقیقی رسول خدا با پیروی از سنتش تحقق می‌یابد. همانطور كه سعادت حقیقى و هدایت كامل نیز در گرو اطاعت از دستورات او می‌باشد. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿وَإِن تُطِيعُوهُ تَهۡتَدُواْۚ وَمَا عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ﴾ [النور: 54].

«و اگر از او فرمان ببرید راه خواهید یافت، و بر - عهده- رسول - ما- جز پیام رسانی آشكار نیست».

همچنین بر ما واجب است كه آنچه را رسول الله آورده بپذیریم و به سنت او عمل كنیم و راهنمودهایش را مورد تكریم و تعظیم قرار دهیم. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤۡمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيۡنَهُمۡ ثُمَّ لَا يَجِدُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَرَجٗا مِّمَّا قَضَيۡتَ وَيُسَلِّمُواْ تَسۡلِيمٗا ٦٥﴾ [النساء: 65].

«سوگند به پروردگارت كه آنها مومن به شمار نمی‌آیند. مگر اینكه تو را در اختلافاتشان داور بكنند. آنگاه ملالی از داوری تو نداشته و كاملاً تسلیم تو باشند».

و بر ماست كه از مخالفت با دستورات آنحضرت بپرهیزیم. چرا كه مخالفت با او سبب فتنه و گمراهی و عذاب دردناک خواهد شد. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ أَوۡ يُصِيبَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: 63].

«پس باید آنان كه بر خلاف فرمان او رفتار مىكنند، از آن بر حذر باشند كه بلایی به آنان برسد، یا عذابی دردناک گریبانگیرشان شود».

ز ـ ویژگی‌های رسالت محمدى:

1- رسالت محمدی پایان بخش رسالت‌های گذشته است. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ أَحَدٖ مِّن رِّجَالِكُمۡ وَلَٰكِن رَّسُولَ ٱللَّهِ وَخَاتَمَ ٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ﴾ [الأحزاب: 40].

«محمد () پدر هیچ كس از مردان شما نیست، بلكه رسول خدا و خاتم پیامبران است».

2- رسالت محمدی ناسخ رسالات گذشته است‌.

خداوند از هیچ كس دینی جز دین محمد نمی‌پذیرد. و هیچ كس به نعمت بهشت نمی‌رسد مگر از طریق محمد ، پس او گرامی ترین پیامبران است و امت‌اش بهترین امتها، و شریعت‌اش كاملترین شریعت‌ها است. چنانكه حق تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٨٥﴾ [آل‌عمران: 85].

«و هر كس دینی جز اسلام بجوید، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیان كاران است».

و نیز رسول خدا می‌فرماید: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، لاَ يَسْمَعُ بِى أَحَدٌ مِنْ هَذِهِ اْلأُمَّةِ يَهُوْدِىٌّ وَلاَ نَصْرَانِىٌّ ثُمَّ يَمُوْتُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِالَّذِى أُرْسِلْتُ بِهِ إِلاَّ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ». مسلم. ترجمه: «بخدا سوگند هر یهودی و مسیحی‌ای كه از این امت آوازه دعوت مرا بشنود و ایمان نیاورد، دوزخی است».

رسالت محمدی عام و شامل جن و انس می‌باشد. خداوند به نقل از گروه جن‌ها می‌فرماید:

﴿يَٰقَوۡمَنَآ أَجِيبُواْ دَاعِيَ ٱللَّهِ﴾ [الأحقاف: 31].

«ای قوم ما - دعوت- دعوتگر الهی را بپذیرید».

و همچنین می‌فرماید:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا كَآفَّةٗ لِّلنَّاسِ بَشِيرٗا وَنَذِيرٗا﴾ [سبأ: 28].

«و تو را برای همه مردمان جز مژده آور و هشدار دهنده نفرستادیم».

رسول الله می‌فرماید: «فُضِّلْتُ عَلَي اْلأَنْبِيَاءِ بِسِتٍّ: أُعْطِيْتُ جَوَامِعَ اْلكَلِمِ، وَنُصِرْتُ بِاِلرُّعْبِ، وَأُحِلَّتْ لِىَ الْغَنَائِمُ، وَجُعِلَتْ لِىَ اْلأَرْضُ طَهُوْرًا وَمَسْجِدًا، وَأُرْسِلْتُ إِلَي اْلخَلْقِ كَافَّةً، وخُتِمَ بِىَ النَّبِيُّوْنَ». مسلم. ترجمه: «در شش چیز بر سایر انبیاء برتری داده شدم. كلمات مختصر و پر معنا به من عنایت شده است و با ترسیدن دشمنان از من یاری شدم. غنایم جنگی برایم حلال شد. زمین برایم پاک و مسجد قرار داده شد، و بسوی همه مردم فرستاده شدم و سلسله پیامبران با من به پایان رسید».

ج- آثار ایمان به پیامبران:

1- پی بردن به رحمت خداوند و عنایت او به بندگانش، كه پیامبران را بسوی ایشان فرستاد تا آنها را به راه راست هدایت كنند و چگونگی عبادت خدا را به آنها بیاموزند. چرا كه این كار از عقل بشر ساخته نیست. خداوند در مورد محمد می‌فرماید:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا رَحۡمَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ ١٠٧﴾ [الأنبیاء: 107].

«و تـو را جـز مایـه رحمـت برای جهانیان نفرستاده‌ایم».

2 ـ سپاس و تشكر از خدا به پاس این نعمت بزرگ .

3 ـ دوست داشتن تمامی پیامبران و تعظیم و تجلیل از آنها، آنگونه كه شایسته آن هستند، چرا كه آنها برای عبادت خدا و تبلیغ رسالت و نصیحت بندگان قیام نمودند.

4 ـ پذیرفتن دستوراتی كه پیامبران از نزد خدا آورده‌اند، و عمل به آنها. تا خیر و هدایت سعادت دنیا و آخرت نصیب مسلمانان شود. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿فَمَنِ ٱتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشۡقَىٰ﴾ [طه: 123].

«هر كس كه از هدایت من پیروی كند گمراه و بدبخت نمی‌شود و هر كس از یاد من روی برگرداند، زندگی تنگ و گرفته‌ای خواهد داشت».



ايمان به قيامت:‌

الف- یعنی باور قطعی به اینكه بدون هیچ شک و تردیدی روز قیامت خواهد آمد. و باید خود را برای آن آماده كرد.

و همچنین باید به نشانه‌های قیامت و مراحلی كه قبل از آن می‌آیند، ایمان داشت. و به مردن و عذاب قبر و نعمت‌هایش و دمیدن در صور و بیرون شدن مردم از قبر و هول و هراس محشر و گشودن نامه‌های اعمال و نصب میزان و پل صراط و حوض و شفاعت و بهشت و نعمت‌های آن كه بزرگترین آنها دیدار خداست و دوزخ و عذابهایش كه شدیدترین آن، محرومیت از ملاقات پروردگار می‌باشد ایمان داشته باشیم.

ب- اهمیت دادن قرآن به این ركن ایمان و حكمت آن:

قرآن كریم به یادآوری و ذكر روز قیامت اهمیت داده و در مواضع متعدد و مناسبت‌های مختلف از آن سخن بمیان آورده و به شیوه‌های مختلف بلاغی وقوع حتمی آنرا بیان داشته است. تا جائی كه ایمان به خود را با ایمان به قیامت پیوند داده و فرموده است:

﴿ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ مِنكُمۡ يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ﴾ [البقرة: 232].

«این - حكمی است- كه هر كس از شما كه به خدا و روز قیامت ایمان دارد، به آن پند داده می‌شود».

و نكته دیگری كه بیانگر اهمیت دادن قرآن به مساله قیامت است. كثرت یادآوری قرآن از قیامت می‌باشد. تا جائی كه در هر صفحه آن سخن از آخرت و احوال آن بمیان آمده است. و بخاطر اهمیت این روز، خداوند نامهای متعددی بر آن نهاده كه بیانگر وقوع حتمی آن می‌باشند. مانند: الحاقه، الواقعه و القیامه (رخداد حتمی و اتفاق بوقوع پیوستنی و روز بپا خواستن مردگان) و بعضی از نامهای قیامت دلالت بر هول و هراس و سختی آن روز دارند. مانند: الغاشیه (قیامت)، الطامه(روز رستاخیز)، الصاخه(بانگ گوش فرسا) و القارعه (فرو كوبنده).

و نام‌های دیگر روز قیامت در قرآن: یوم الدین، یوم الحساب، یوم الجمعه، یوم الخلود، یوم الخروج، یوم الحسره و یوم التناد نیز ذكر شده است .

و اما حكمت توجه فوق العاده قرآن به این ركن ایمان بدینجهت است كه ایمان به آخرت آثار مثبتی در توجیه انسان و التزام او به عمل صالح و تقوی و پرهیزگاری دارد.

روش بیان قرآن كه ایمان به روز قیامت و عمل نیک را به یكدیگر ربط می‌دهد، بیانگر همین نكته می‌باشد. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يَعۡمُرُ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ﴾ [التوبة: 18].

«فقط كسی مسجدهای خدا را آباد می‌كند كه به خداوند و روز قیامت ایمان داشته باشد».

و هم چنین می‌فرماید:

﴿وَٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ يُؤۡمِنُونَ بِهِۦۖ وَهُمۡ عَلَىٰ صَلَاتِهِمۡ يُحَافِظُونَ﴾ [الأنعام: 92].

«و كسانی كه به آخرت ایمان دارند به آن - نیز- ایمان می‌آورند و آنان بر نمازشان پایبندند».

و ممكن است یكی دیگر از حكمت‌های یادآوری زیاد روز قیامت، فراموشی و غفلت انسان‌ها از آن بخاطر روی آوردن به دنیا و چشم دوختن به متاع آن می‌باشد. ایمان به روز قیامت است كه محبت بیش از حد دنیا را در انسان كاهش می‌دهد و سبب رقابت در طاعت و بندگی می‌شود. خداوند می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَا لَكُمۡ إِذَا قِيلَ لَكُمُ ٱنفِرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱثَّاقَلۡتُمۡ إِلَى ٱلۡأَرۡضِۚ أَرَضِيتُم بِٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا مِنَ ٱلۡأٓخِرَةِۚ فَمَا مَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا فِي ٱلۡأٓخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ٣٨﴾ [التوبة: 38].

«ای مؤمنان! شما را چه شده است كه وقتی به شما گفته می‌شود: در راه خدا - برای جهاد- رهسپار شوید، سستی می‌كنید و دل بدنیا میدهید؟ آیا به جای آخرت به زندگانی دنیا خشنود گشته‌اید؟ پس - بدانید كه- متاع زندگی دنیا در - برابر- آخرت جز اندكی نیست».

بنابراین، پس از ایمان به خدا، هیچ چیزی جز ایمان به روز آخرت، نمی‌تواند انسان را سبک بال كند. و باید ایمان داشت كه از هر متاع و كالا و لذتی كه در دنیا به خاطر اطاعت از دستورات خدا چشم پوشی كند در قیامت بجای آن، كالای بهتر و با ارزش تری به او عنایت خواهد شد.

یكی دیگر از فواید ایمان به آخرت این است كه انسان یقین پیدا می‌كند كه هیچ خوشی دنیا با خوشی آخرت و هیچ عذاب دنیا (در راه خدا) با عذاب آخرت قابل مقایسه نیست.

ج ـ آزمایش قبر:

ایمان داریم به این كه مرگ حق است. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿قُلۡ يَتَوَفَّىٰكُم مَّلَكُ ٱلۡمَوۡتِ ٱلَّذِي وُكِّلَ بِكُمۡ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمۡ تُرۡجَعُونَ١١﴾ [السجدة: 11].

«بگو: فرشته مرگ كه بر شما گمارده شده است، جانتان را می‌ستاند، آنگاه نزد پروردگارتان بازگردانده می‌شوید».

و این امری مشهود است كه همه آن را می‌دانند و هیچ شک و تردیدی در آن وجود ندارد.

و ایمان داریم كه هر كس بمیرد یا كشته شود و یا به نحوی از بین برود در واقع عمرش تمام شده و چیزی از آن كاسته نشده است. خداوند می‌فرماید:

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٞۖ فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ لَا يَسۡتَأۡخِرُونَ سَاعَةٗ وَلَا يَسۡتَقۡدِمُونَ ٣٤﴾ [الأعراف: 34].

«و هنگامی كه زمان - محدود- آنان به سر رسید، نه یک لحظه درنگ كنند، و نه پیشی گیرند».

و به آزمایش قبر ایمان داریم كه عبارت است از بازخواست میت بعد از دفن درباره پروردگار، دین و پیامبرش. و در آنجا خداوند مومنان را به گفتار استوار (توحید) ثابت می‌گرداند و مومن می‌گوید: پروردگارم خدا، دینم اسلام و پیامبرم محمد است.

و ستمكاران را در سخن گفتن، گمراه مىكند و كافر می‌گوید: وای،‌وای نمی‌دانم. همچنین منافق و بدگمان می‌گوید: نمی‌دانم، می‌شنیدم كه مردم چیزهایی می‌گفتند. من هم همانها را می‌گفتم .

به عذاب قبر و خوشی‌های آن ایمان داریم و گفتنی است كه عذاب قبر شامل انسانهای ستمكار، منافق و كافر می‌شود. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِي غَمَرَٰتِ ٱلۡمَوۡتِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ بَاسِطُوٓاْ أَيۡدِيهِمۡ أَخۡرِجُوٓاْ أَنفُسَكُمُۖ ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَوۡنَ عَذَابَ ٱلۡهُونِ بِمَا كُنتُمۡ تَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ وَكُنتُمۡ عَنۡ ءَايَٰتِهِۦ تَسۡتَكۡبِرُونَ﴾ [الأنعام: 93].

«و چون ببینی، آنگاه كه ستمكاران در سكرات مرگ‌اند و فرشتگان دستان خود را گشاده‌اند – ومی گویند- جان‌هایتان را بیرون آورید - شگفت زده می‌شوی- امروز به - سزای- آنچه به ناحق بر خداوند می‌گفتید و - به سزای آن كه- از آیاتش سركشی می‌كردید، به عذاب خوار كننده كیفر داده می‌شوید».

و درباره آل فرعون می‌فرماید:

﴿ٱلنَّارُ يُعۡرَضُونَ عَلَيۡهَا غُدُوّٗا وَعَشِيّٗاۚ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ أَدۡخِلُوٓاْ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ أَشَدَّ ٱلۡعَذَابِ ٤٦﴾ [غافر: 46].

«آنان صبح و شام بر آتش دوزخ عرضه می‌شوند و روزی كه قیامت برپا شود، (گوییم:) فرعونیان را به سخت ترین عذاب در آورید».

و در صحیح مسلم از زید بن ثابت روایت است كه رسول خدا فرمود: «فَلَوْلاَ أَنْ لا تَدَافَنُوا لَدَعَوْتُ اللهَ أَنْ يُسْمِعَكُمْ مِنْ عَذَابِ القَبْرِ الذِي أَسْمَعُ مِنْهُ». ترجمه: «اگر این ترس وجود نداشت كه مردگانتان را دفن نمی‌كردید دعا می‌كردم خداوند، عذاب قبر را به شما بشنواند همانطور كه من می‌شنوم. سپس رو به ما كرد و فرمود: از عذاب آتش به خدا پناه ببرید. آنگاه فرمود: از عذاب قبر به خدا پناه ببرید. حاضرین نیز گفتند ما از عذاب آتش و عذاب قبر به خدا پناه می‌بریم».

و اما شادیهای قبر نصیب مومنین صادق می‌گردد. خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ تَتَنَزَّلُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ أَلَّا تَخَافُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ وَأَبۡشِرُواْ بِٱلۡجَنَّةِ ٱلَّتِي كُنتُمۡ تُوعَدُونَ ٣٠﴾ [فصلت: 30].

«كسانی كه گفتند: پروردگارمان خداست، آنگاه استوار ماندند، فرشتگان (با این پیام) بر آنان فرو می‌آیند كه: نترسید و اندوهگین نباشید و بشارت باد شما را به بهشتی كه وعده داده می‌شدید خوش باشید».

و هم چنین می‌فرماید:

﴿فَلَوۡلَآ إِذَا بَلَغَتِ ٱلۡحُلۡقُومَ ٨٣ وَأَنتُمۡ حِينَئِذٖ تَنظُرُونَ ٨٤ وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ مِنكُمۡ وَلَٰكِن لَّا تُبۡصِرُونَ ٨٥ فَلَوۡلَآ إِن كُنتُمۡ غَيۡرَ مَدِينِينَ ٨٦ تَرۡجِعُونَهَآ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٨٧ فَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ ٨٨ فَرَوۡحٞ وَرَيۡحَانٞ وَجَنَّتُ نَعِيمٖ ٨٩﴾ [الواقعة: 83-89].

«پس هنگامی كه - جان‌ها- به حلقوم می‌رسد. و شما آنگاه می‌نگرید. و ما از شما به او - محتضر-) نزدیكتریم ولی شما نمی‌بینید. پس اگر جزا نمی‌بینید. و راستگو هستید آن - جان- را برگردانید. اما اگر از نزدیكان - درگاه الهى- باشد . آسایش و گلهای خوشبو و باغ پرناز و نعمت دارد».

براء بن عازب می‌گوید: رسول خدا در مورد مؤمنی كه در قبر، به آن دو فرشته، پاسخ مثبت می‌دهد فرمود: «‌ینَادِی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَنْ صَدَقَ عَبْدِى فَأَفْرِشُوهُ مِنَ الجَنَّةِ وَأَلْبِسُوهُ مِنَ الجَنَّةِ وَافْتَحُوا لَهُ بَابًا إِلَی الجَنَّةِ، قَالَ: فَیأْتِهِ مِنْ رُوْحِهَا وَطِیبِهَا وَیفْسَحُ لَهُ فِى قَبْرِهِ مَدَّ بَصَرِهِ». [أحمد وأبو داود]. ترجمه: «پس ندایی از آسمان به گوش می‌رسد كه: بنده من راست می‌گوید. برای او از بهشت فرش بیاورید و لباس بهشتی بر تنش كنید و دری از بهشت برای او بگشائید. رسول خدا فرمود: آنگاه رایحه‌های دل انگیزی به مشامش می‌رسد وقبرش تا جائی كه چشم كار می‌كند وسعت می‌یابد».

باید گفت در مورد عذاب قبر و نعمت‌های آن و سوال و جواب دو فرشته، احادیث صحیح و متعددی از رسول خدا روایت شده است. بنابراین، اعتقاد به آزمایش قبر و ایمان آوردن به آن بر ما واجب است. البته از كیفیت آن سخن به میان نمیاوریم،‌چرا كه این قضیه متعلق به جهان دیگر است كه عقل را در آن مجالی نیست.

و این امور غیبی از طریق حس قابل درک نیستند. چرا كه اگر حس، آنها را درک می‌كرد فایده ایمان به غیب و فلسفه تكلیف از میان می‌رفت و آنطور كه رسول الله فرمود، مردم مردگان خود را دفن نمی‌كردند و چون این حكمت در مورد حیوانات، منتفی است آنها عذاب قبر را می‌شنوند و درک می‌كنند.

د- نشانه‌های قیامت:

یكی از مواردی كه ایمان به آن واجب می‌باشد این است كه باور داشته باشیم قیامت حتماً خواهد آمد و هیچ شک و تردیدی در آن نیست. و زمان آنرا به جز خدا كسی نمی‌داند، و آن را از همه مردم پنهان كرده است. خداوند می‌فرماید:

﴿يَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرۡسَىٰهَاۖ قُلۡ إِنَّمَا عِلۡمُهَا عِندَ رَبِّيۖ لَا يُجَلِّيهَا لِوَقۡتِهَآ إِلَّا هُوَۚ ثَقُلَتۡ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ لَا تَأۡتِيكُمۡ إِلَّا بَغۡتَةٗۗ يَسۡ‍َٔلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنۡهَاۖ قُلۡ إِنَّمَا عِلۡمُهَا عِندَ ٱللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ١٨٧﴾ [الأعراف: 187].

«درباره قیامت از تو می‌پرسند كه چه وقت فرا خواهد رسید؟ بگو: فقط پروردگارم از آن آگاه است و هر كس جز او نمی‌تواند در وقت خود، آنرا پدید می‌سازد - اطلاع از قیامت- برای - ساكنان- آسمانها و زمین دشوار است. قیامت، ناگهانی بوقوع می‌پیوندد. -چنان- از تو می‌پرسند كه گویا از قیامت با خبری؟ بگو: علم آن فقط نزد خداوند است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند».

و در مورد نشانه‌های قیامت احادیث بسیاری از رسول خدا نقل شده است .

و همچـنیـن احادیثی از رسول خدا در مورد نشانه‌های صغرای قیامت به اثبات رسیده كه بیشتر آنها پیرامون فساد مردم و ظهور فتنه بین آنها و انحرافشان از راه راست می‌باشد.

و از علامات صغرا آنست كه در حدیث جبریل آمده است: «قَالَ: فَأَخْبِرْنِى عَنْ أَمَارَتِهَا. قَالَ: أَنْ تَلِدَ الأَمَةُ رَبَّتَهَا. وَأَنْ تَرَى الحُفَاةَ العُرَاةَ، العَالَةَ، رُعَاءَ الشَّاءِ، يَتَطَاوَلُونَ فِى البُنْيَانِ». متفق علیه. ترجمه: «مرد گفت: پس مرا از نشانه‌های قیامت با خبر ساز، رسول خدا فرمود: یكی اینكه كنیز آقایش را به دنیا آورد (یعنی مادران را خوار و حقیر می‌شمارند و خود را سرور آنها می‌دانند). و دیگر اینكه پا برهنگان و بینوایان و چوپانان را ببینی كه در برافراشتن كاخ و ساخت و ساز، بر یكدیگر پیشی می‌گیرند».

همچنین مردی از رسول خدا پرسید: «مَتَي السَّاعَةُ ؟ فَقَالَ: إِذَا ضُيِّعَتِ الأَمَانَةُ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ. قَالَ: وَكَيْفَ إِضَاعَتُهَا؟ قَالَ: إِذَا أُسْنِدَ الأَمْرُ لِغَيْرِ أَهْلِهَا فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ». بخاری. ترجمه: «قیامت كی می‌آید؟ فرمود: هرگاه امانتداری از میان برود منتظر قیامت باش. پرسید: از بین رفتن آن چگونه خواهد بود؟ فرمود: هرگاه كارها به دست افراد نا اهل سپرده شد، در انتظار قیامت باش».

علامات كبرای قیامت: و آن علاماتی است كه نزدیک قیامت، یكی پس از دیگری به وقوع خواهند پیوست. مانند مهره‌هایی كه از نخ قطع شده یكی بعد از دیگری بیفتد.

باید گفت حدود ده مورد از نشانه‌های بزرگ قیامت در احادیث صحیح بیان شده است كه از جمله آنها حدیث حذیفه می‌باشد. او می‌گوید: با یكدیگر سخن می‌گفتیم كه رسول خدا به ما نگاه كرد و فرمود: چه مىگویید؟ گفتند: از قیامت سخن می‌گوییم. فرمود: قیامت برپا نمی‌شود مگر این كه ده علامت، قبل از آن آشكار گردد. آنگاه درباره دودی كه بر می‌خیزد ، دجال و حیوانی كه بیرون می‌شود، طلوع آفتاب از مغرب، نازل شدن عیسی بن مریم، قوم یأجوج و مأجوج، سه خسف (فرو رفتن در زمین و ناپدید شدن) یكی در مشرق و دیگری در مغرب و سومی در شبه جزیره عربستان پدید خواهد آمد و آخرین علامت آن، خارج شدن آتشی از یمن است كه مردم را به سوی محشر سوق می‌دهد. (مسلم)

ما در اینجا بعنوان مثال در باره یكی از آنها كه ظهور دجال است سخن خواهیم گفت:

دجال منشأ كفر و گمراهی و سرچشمه فتنه و ترس و بیم است. بنابراین، همه انبیاء، اقوام خود را از او بیم داده و بر حذر داشته‌اند. و او را به گونه‌ای توصیف كرده‌اند كه همه آن را بشناسند و رسول خدا نیز امت‌اش را از دجال بر حذر داشته و او را طوری توصیف كرده كه هر بیننده‌ای وی را بشناسد.

چنانكه انس می‌گوید: رسول خدا فرمود: ‌«‌مَا مِنْ نَبِيٍّ إِلاَّ قَدْ أَنْذَرَ أُمَّتَهُ الأَعْوَرَ الكَذَّابَ أَلاَ إِنَّهُ أَعْوَرُ وَإِنَّ رَبَّكُمْ لَيْسَ بِأَعْوَرَ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ كَ فَ رَ». متفق علیه. ترجمه: «هیچ پیامبری نمامده مگر اینكه امت خود را از مرد یک چشم دروغگو ترسانیده است، بلی او یک چشم است و خدای شما یک چشم نیست و افزود كه در حد فاصل چشمانش حروف ك، ف، ر (كفر) نوشته شده یعنی كافر».

و از ابوهریره روایت است كه رسول الله فرمودند: «أَلاَ أُحَدِّثُكُمْ حَدِيثاً عَنِ الدَّجَّالِ مَا حَدَّثَ بِهِ نَبِيٌّ قَوْمَهُ: إِنَّهُ أَعْوَرُ، وَإِنَّهُ يَجِيءُ مَعَهُ بِمِثْلِ الجَنَّةِ وَالنَّارِ، فالَّتِي يَقُولُ إِنَّهَا الجَنَّةُهيَ النَّارُ، وَإِنِّي أُنْذِرُكُمْ كَمَا أَنْذَرَ بِهِ نُوحٌ قَوْمَه». متفق علیه. ترجمه: «آیا به شما خبری از دجال نگویم كه هیچ پیامبری آن را به قومش نگفته است؟ آنگاه فرمود: دجال دارای یک چشم است و در حالی می‌آید كه چیزی مانند بهشت و دوزخ (آتش) همراه دارد، پس آنچه را كه بهشت می‌داند در حقیقت آتش است و من شما را از آن بر حذر می‌دارم، آنچنان كه نوح قوم خود را از آن بر حذر داشت».

باید گفت كه هیچ گریزی از فتنه دجال وجود ندارد مگر با علم و عمل. مراد از علم این است كه بدانیم دجال دارای جسم است. می‌خورد و می‌آشامد، و فردی پست و ناتوان و كور است كه در میان دو چشمش كلمه كفر نوشته شده است.

مراد از عمل این است كه در تشهد آخر هر نماز از فتنه دجال به خدا پناه ببریم و ده آیه اول سوره كهف را حفظ كنیم، زیرا كه رسول خدا فرمود: «مَنْ حَفِظَ عَشْرَآيَاتٍ مِنْ أولِ سُوْرَةِ اْلكَهْفِ عُصِمَ مِنَ الدَّجَالِ». (مسلم) «هر كس ده آیه‌ی اول سوره كهف را حفظ كند، خداوند او را از فتنه دجال محفوظ نگه می‌دارد».

هـ- بعثت ( برخواستن مردگان از قبور):

ایمان به زنده شدن دوباره از قرآن و سنت و عقل و فطرت سالم به ثبوت رسیده است. پس ما به طور یقین ایمان داریم كه هر كس در قبرهاست، برانگیخته خواهد شد. و ارواح به اجساد خود بر خواهند گشت و همه مردم در پیشگاه پروردگارشان حاضر می‌شوند. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿ثُمَّ إِنَّكُم بَعۡدَ ذَٰلِكَ لَمَيِّتُونَ ١٥ ثُمَّ إِنَّكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ تُبۡعَثُونَ ١٦﴾ [المؤمنون: 15-16].

«سپس شما پس از این خواهید مرد . آنگاه قطعاً شما روز قیامت برانگیخته می‌شوید».

و رسول اكرم نیز می‌فرماید: «يُحْشَرُالنَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُفَاةً عُرَاةً غُرْلاً». [متفق علیه]. «مردم، روز قیامت پا برهنه، عریان و ختنه نشده حشر خواهند شد».

و مسلمانان نیز بر صحت این مطلب، اجماع دارند و حكمت نیز اقتضا می‌كند كه چنین بازگشتی وجود داشته باشد تا خداوند مردم را بر اساس تكلیفی كه از طریق پیامبران به آنها رسیده است، پاداش دهد. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿أَفَحَسِبۡتُمۡ أَنَّمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ عَبَثٗا وَأَنَّكُمۡ إِلَيۡنَا لَا تُرۡجَعُونَ ١١٥﴾ [المؤمنون: 115].

«آیا پنداشتید كه ما شما را بیهوده آفریده ایم، و شما به سوی ما باز گردانده نمی‌شوید؟».

ولی كافران، زنده شدن دوباره را انكار كرده و قبول ندارند و به نظر آنها این، غیر ممكن است، در حالیكه شرع و حس و عقل، این نظر را باطل می‌داند.

دیدگاه شرع: خداوند می‌فرماید:

﴿زَعَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَن لَّن يُبۡعَثُواْۚ قُلۡ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبۡعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلۡتُمۡۚ وَذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ٧﴾ [التغابن: 7].

«كافران گمان بردند كه برانگیخته نخواهند شد، بگو: آری، سوگند به پروردگارم به یقین برانگیخته خواهید شد، آنگاه از -حقیقت- آنچه می‌كردید، به شما خبر خواهند داد، و این كار برای خدا آسان است».

و همچنین می‌فرماید:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَا تَأۡتِينَا ٱلسَّاعَةُۖ قُلۡ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأۡتِيَنَّكُمۡ عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِۖ لَا يَعۡزُبُ عَنۡهُ مِثۡقَالُ ذَرَّةٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَآ أَصۡغَرُ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكۡبَرُ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٖ ٣﴾ [سبأ: 3].

«و كافران گفتند: قیامت به سراغ ما نخواهد آمد، بگو: آری، سوگند به پروردگارم كه دانای غیب است، قیامت برپا خواهد شد».

گفتنی است كه در این مورد همه كتاب‌های آسمانی اتفاق نظر دارند.

دیدگاه حس: خداوند زنده شدن دوباره را در همین دنیا به بندگانش نشان داده است. از جمله پنج مورد از آنها را در سوره بقره ذكر كرده كه اولین آن چنین است:

قوم موسی به او گفتند: هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم تا این كه خدا را آشكارا نبینیم. پس خداوند آن‌ها را میراند و سپس زنده كرد و در این باره خداوند خطاب به بنی اسرائیل می‌فرماید:

﴿وَإِذۡ قُلۡتُمۡ يَٰمُوسَىٰ لَن نُّؤۡمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى ٱللَّهَ جَهۡرَةٗ فَأَخَذَتۡكُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ وَأَنتُمۡ تَنظُرُونَ ٥٥ ثُمَّ بَعَثۡنَٰكُم مِّنۢ بَعۡدِ مَوۡتِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٥٦﴾ [البقرة: 55-56].

«و هنگامی كه گفتید: ای موسی! هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم مگر آن كه خدا را آشكارا ببینیم، پس صاعقه‌ای شما را در حالی كه می‌نگریستید، فراگرفت. آنگاه شما را پس از مردنتان برانگیختیم تا اینكه سپاس گزاری كنید».

مثال دوم: داستان كشته شدن مردی از بنی اسرائیل كه آنها درباره او مجادله كردند. پس خداوند امر نمود تا گاوی بكشند و پاره‌ای از گوشت آن را به بدن مقتول بزنند، آنگاه زنده خواهد شد و داستان كشته شدن خود را توضیح خواهد داد.

مثال سوم: داستان قومی كه از دیار خود خارج شدند تا از مرگ فرار كنند. ولی خداوند آن‌ها را میراند و سپس زنده نمود .

مثال چهارم: سرگذشت مردی كه از كنار شهری عبور می‌كرد و چون زنده شدن آنها را محال می‌دانست، خداوند او را صد سال میراند و دوباره زنده كرد.

مثال پنجم: جریان پرنده‌هائی كه توسط ابراهیم كشته و قطعه قطعه شدند. سپس به امر خدا زنده گشتند.

و اما از دیدگاه عقل به دو دلیل امكان بعثت وجود دارد:

1- نخست اینكه خداوند، آسمان‌ها، زمین و آنچه در آنها می‌باشد را برای نخستین بار آفریده است و كسی كه قادر به آغاز آفرینش باشد یقیناً از بازگردانیدن آن ناتوان نخواهد بود. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ﴾ [الروم: 27].

«و اوست كسی كه آفرینش را آغاز كرده است و سپس آن را باز می‌گرداند».

همچنین خداوند در جواب كسی كه زنده شدن استخوان پوسیده را انكار كرد فرمود:

﴿قُلۡ يُحۡيِيهَا ٱلَّذِيٓ أَنشَأَهَآ أَوَّلَ مَرَّةٖۖ وَهُوَ بِكُلِّ خَلۡقٍ عَلِيمٌ ٧٩﴾ [یس: 79].

«بگو: كسی آنها را زنده می‌كند كه نخستین بار آنها را آفریده است، و او به هر آفرینشی داناست».

2- دوم این كه خداوند زمین مرده و بایر را كه درخت و كیاهی در آن وجود ندارد با نزول باران، زنده و سرسبز و خرم می‌نماید. پس كسی كه به زنده كردن آن پس از مردن تواناست، یقیناً بر زنده كردن مردگان نیز توانا خواهد بود. چنانكه می‌فرماید:

﴿وَنَزَّلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ مُّبَٰرَكٗا فَأَنۢبَتۡنَا بِهِۦ جَنَّٰتٖ وَحَبَّ ٱلۡحَصِيدِ ٩ وَٱلنَّخۡلَ بَاسِقَٰتٖ لَّهَا طَلۡعٞ نَّضِيدٞ ١٠ رِّزۡقٗا لِّلۡعِبَادِۖ وَأَحۡيَيۡنَا بِهِۦ بَلۡدَةٗ مَّيۡتٗاۚ كَذَٰلِكَ ٱلۡخُرُوجُ ١١﴾ [ق: 9-11].

«و از آسمان آب پربركتی نازل كردیم و بوسیله آن، باغها و دانه‌های درو كردنی رویاندیم و درختان بلند خرما را كه میوهای انباشته بر هم دارد . - همه اینها- بمنظور روزی رسانیدن به بندگان است. ما بوسیله باران، سرزمین مرده را زنده كردیم. -آری زنده شدن مردگان- و از گورها سربرآوردن آنها، چنین است».

و هر عاقلی می‌داند كسی كه توانائی كارهای بزرگ را دارد، در انجام كارهای كوچكتر تواناتر خواهد بود.

و خداوند سبحان كه آسمان‌ها و زمین را با این همه عظمت و گستردگی و شگفتی‌های فراوان آفریده است، بر زنده كردن استخوانی پوسیده تواناتر است. خداوند می‌فرماید:

﴿أَوَ لَيۡسَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يَخۡلُقَ مِثۡلَهُمۚ بَلَىٰ وَهُوَ ٱلۡخَلَّٰقُ ٱلۡعَلِيمُ ٨١﴾ [یس: 81].

«آیا كسی كه آسمان‌ها و زمین را آفریده است،‌قدرت ندارد - انسانهای مرده را دوباره- مانند خوشان بیافریند؟ بلی -می تواند- چرا كه او آفریدگار بس دانا و تواناست».

و- روز حساب و عرضه اعمال:

ما ایمان داریم كه مردم، روز قیامت در پیشگاه پروردگارشان حاضر می‌شوند. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿فَيَوۡمَئِذٖ وَقَعَتِ ٱلۡوَاقِعَةُ ١٥ وَٱنشَقَّتِ ٱلسَّمَآءُ فَهِيَ يَوۡمَئِذٖ وَاهِيَةٞ ١٦ وَٱلۡمَلَكُ عَلَىٰٓ أَرۡجَآئِهَاۚ وَيَحۡمِلُ عَرۡشَ رَبِّكَ فَوۡقَهُمۡ يَوۡمَئِذٖ ثَمَٰنِيَةٞ ١٧ يَوۡمَئِذٖ تُعۡرَضُونَ لَا تَخۡفَىٰ مِنكُمۡ خَافِيَةٞ ١٨﴾ [الحاقة: 15-18].

«پس در آن روز، قیامت بوقوع می‌پیوندد . آسمان از هم می‌شكافد و در آن روز، سست و نا استوار می‌گردد. فرشتگان بر كناره‌های آسمان قرار می‌گیرند و در آن روز هشت -تن از فرشتگان- عرشِ پروردگارت را بر فراز خود برمی دارند . در آن روز، به پیشگاه پروردگارتان عرضه می‌شوید و چیزی از كارهای پنهانتان مخفی و پوشیده نمی‌ماند».

و هم چنین می‌فرماید:

﴿وَعُرِضُواْ عَلَىٰ رَبِّكَ صَفّٗا لَّقَدۡ جِئۡتُمُونَا كَمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ أَوَّلَ مَرَّةِۢ ۚ بَلۡ زَعَمۡتُمۡ أَلَّن نَّجۡعَلَ لَكُم مَّوۡعِدٗا ٤٨﴾ [الکهف: 48].

«و مردم، صف صف به پروردگارت عرضه می‌شوند. - خداوند می‌فرماید:- به راستی چنان نزد ما آمدید كه نخستین بار شما را آفریده بودیم».

همچنین ما به محاسبه اعمال نیز ایمان داریم و معتقدیم كه خداوند از بندگانش حساب می‌گیرد. چنانكه در قرآن و در حدیث آمده است خداوند با بنده مؤمن خلوت می‌كند و گناهانش را به او یادآوری می‌نماید.

ولی نیازی به محاسبه اعمال كفار وجود ندارد،‌چرا كه آنها فاقد اعمال نیک‌اند. بلكه فقط گناهانشان شمرده می‌شود و از آنها اعتراف می‌گیرند. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡإِنسَٰنُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدۡحٗا فَمُلَٰقِيهِ ٦ فَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ ٧ فَسَوۡفَ يُحَاسَبُ حِسَابٗا يَسِيرٗا ٨ وَيَنقَلِبُ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ مَسۡرُورٗا ٩ وَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ وَرَآءَ ظَهۡرِهِۦ ١٠ فَسَوۡفَ يَدۡعُواْ ثُبُورٗا ١١ وَيَصۡلَىٰ سَعِيرًا ١٢ إِنَّهُۥ كَانَ فِيٓ أَهۡلِهِۦ مَسۡرُورًا ١٣ إِنَّهُۥ ظَنَّ أَن لَّن يَحُورَ ١٤ بَلَىٰٓۚ إِنَّ رَبَّهُۥ كَانَ بِهِۦ بَصِيرٗا ١٥﴾ [الانشقاق: 6-15].

«ای انسان، تو به تلاش فراوان و رنج بسیار بسوی پروردگارت رهسپاری و سرانجام او را ملاقات خواهی كرد. كسی كه نامه اعمالش به دستِ راستش داده شود، با او حساب ساده و آسانی خواهد شد و شادمان به سوی خانواده‌اش برمی گردد . و اما كسی كه نامه اعمالش از پشت سر به او داده شود، آرزوی نابودی می‌كند - و سرانجام- وارد دوزخ می‌شود و می‌سوزد. این بدان جهت است كه در میان خانواده و كسان خود - در دنیا- مسرور بوده است. و گمان می‌كرده كه هرگز - برای حساب بسوی خدا- باز نخواهد گشت. آری، پروردگارش او را دیده و از - احوال و افعالش- آگاه بوده است».

بخاری به نقل از عایشه ل از رسول خدا روایت مى‌كند كه فرمود: «لَيْسَ أَحَدٌ يُحَاسَبُ يَوْمَ اْلقِيَامَةِ إَلاَّ هَلَكَ. فَقُلْتُ: ياَرَسُوْلَ اللهِ، أَلَيْسَ قَدْ قَالَ اللهُ تَعَالَي : «مَنْ اُوتيَ كتَابَهُ بيَمينه فَسَوْفَ يُحَاسبُ حسَابَاً يَسيرَاً» فَقَاَلَ رَسُوْلُ اللهِ: إِنَّمَا ذَلِكَ اْلعَرْضُ، وَلَيْسَ أَحَدٌ يُنَاقَشُ اْلحِسَابَ يَوْمَ اْلقِيَامَةِ إِلاَّ عُذِّبَ». [بخاری]. ترجمه: «هر كس كه روز قیامت محاسبه شود، هلاک می‌گردد. گفتم: ای رسول خدا! آیا خداوند متعال نفرموده است كه هر كس نامه اعمالش به دست راستش داده شود، زود و به آسانی می‌گردد. رسول خدا فرمود: این عرضه اعمال است. و هر كس كه در روز قیامت مورد محاسبه قرار گیرد، گرفتار عذاب می‌شود».

و ایمان داریم كه نامه اعمال هر انسانی را به او می‌دهند، و هنگامی كه مؤمن، نامه اعمالش را دریافت می‌كند، شاد می‌شود و خوشحالی خود را آشكار می‌سازد. خداوند می‌فرماید:

﴿فَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ فَيَقُولُ هَآؤُمُ ٱقۡرَءُواْ كِتَٰبِيَهۡ ١٩ إِنِّي ظَنَنتُ أَنِّي مُلَٰقٍ حِسَابِيَهۡ ٢٠ فَهُوَ فِي عِيشَةٖ رَّاضِيَةٖ ٢١ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٖ ٢٢ قُطُوفُهَا دَانِيَةٞ ٢٣ كُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ هَنِيٓ‍َٔۢا بِمَآ أَسۡلَفۡتُمۡ فِي ٱلۡأَيَّامِ ٱلۡخَالِيَةِ٢٤﴾ [الحاقة: 19-24].

ترجمه: «و اما كسی كه نامه اعمالش به دستِ راستِ داده شود، - فریاد شادی سر می‌دهد- و می‌گوید: - ای اهل حشر- نامه اعمال مرا بگیرید و بخوانید. من یقین داشتم كه من به حساب و كتاب روبرو می‌شوم . پس او در زندگی پسندیده‌ای بسر خواهد برد. در بهشتی برین . كه میوهایش در دسترس است . و به آنها گفته می‌شود به -پاداش- آنچه در روزگارانِ گذشته پیش فرستاده‌اید، گوارا بخورید و بیاشامید».

ولی نامه اعمال كافر و منافق و گمراه، از پشت به دست سر به دست چپشان داده می‌شود. آنها خود را نفرین می‌كنند و افسوس می‌خورند. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿وَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِشِمَالِهِۦ فَيَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي لَمۡ أُوتَ كِتَٰبِيَهۡ ٢٥ وَلَمۡ أَدۡرِ مَا حِسَابِيَهۡ ٢٦ يَٰلَيۡتَهَا كَانَتِ ٱلۡقَاضِيَةَ ٢٧ مَآ أَغۡنَىٰ عَنِّي مَالِيَهۡۜ ٢٨ هَلَكَ عَنِّي سُلۡطَٰنِيَهۡ ٢٩ خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ٣٠ ثُمَّ ٱلۡجَحِيمَ صَلُّوهُ ٣١﴾ [الحاقة: 25-31].

«و اما كسی كه نامه اعمالش به دستِ چپش داده شود، می‎‎‎‎‎‎‎‎‎‎‎‎‎‎‎‎‎‎‎ گوید: ای كاش كارنامه ام به من داده نمی‌شد. و نمی‌دانستم حسابِ -كارم- چیست. ای كاش مرگ یكسره كننده بود. مالم در حق من سودی نبخشید. فرمانروایىام از - دستِ- من رفت. خدا به فرشتگان دستور می‌دهد او را بگیرید و به غل و زنجیر بكشید. سپس او را به دوزخ افكنید».

ز- ترازوی اعمال و پل صراط:

همچنین به ترازوی اعمال ایمان داریم، زیرا خداوند می‌فرماید:

﴿وَنَضَعُ ٱلۡمَوَٰزِينَ ٱلۡقِسۡطَ لِيَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ فَلَا تُظۡلَمُ نَفۡسٞ شَيۡ‍ٔٗاۖ وَإِن كَانَ مِثۡقَالَ حَبَّةٖ مِّنۡ خَرۡدَلٍ أَتَيۡنَا بِهَاۗ وَكَفَىٰ بِنَا حَٰسِبِينَ ٤٧﴾ [الأنبیاء: 47].

«و ما در روز قیامت ترازوهای عدالت را در میان خواهیم نهاد و به هیچكس ستمی نخواهد شد. و اگر - عمل نیک یا بدی- هموزنِ به اندازه دانه خردل انجام گرفته باشد، آن را حاضر و آماده می‌سازیم».

و در حدیث آمده كه ترازوی اعمال دارای دو كفه است كه قابل مشاهده می‌باشند.

گفتنی است كه موازنه اعمال پس از اتمام محاسبه آنها انجام می‌گیرد. چرا كه محاسبه برای مشخص كردن تعداد اعمال و موازنه برای مشخص كردن وزن و كیفیت آنها است و پاداش هم بر اساس وزن اعمال داده می‌شود.

و به پل صراط ایمان داریم. و آن، پلی است كه بین بهشت و دوزخ نصب می‌گردد. مردم از روی آن عبور می‌كنند و سرعت عبور هر كس بستگی به اعمال‌اش دارد. برخی با یک چشم به هم زدن و عده‌ای مانند برق و بعضی مانند وزش باد و گروهی مانند اسبی تیز رو عبور می‌كنند و بعضی به سرعت شتر سوار و برخی با دویدن و عده‌ای با راه رفتن و بعضی با خزیدن از آن می‌گذرند. گفتنی است كه در این میان عده‌ای بوسیله قلابهائی كه در دو طرف پل نصب شده‌اند، ربوده شده و در دوزخ انداخته می‌شوند.

باید دانست كه هر كس در دنیا بر صراط مستقیم خدا رفته و پایداری كرده است، در آخرت نیز بر پل صراط پایداری خواهد كرد. و كسی كه در دنیا از راه راست منحرف شده، بر پل صراط نیز پایداری نخواهد كرد .

شایان ذكر است كه در روز قیامت منافقین و مؤمنین نزد پل صراط از هم جدا می‌شوند. منافقان می‌مانند و مؤمنان، با شتاب پیشروی می‌نمایند. و بین آنها دیواری حایل می‌گردد.

ج ـ بهشت و دوزخ:

ما به وجود بهشت و دوزخ ایمان داریم و معتقدیم كه خداوند بهشت را برای مؤمنان و دوزخ را برای كافران مهیا ساخته است. یعنی بهشت خانه دوستان خدا و دوزخ خانه دشمنان خدا خواهد بود.

چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿فَإِن لَّمۡ تَفۡعَلُواْ وَلَن تَفۡعَلُواْ فَٱتَّقُواْ ٱلنَّارَ ٱلَّتِي وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُۖ أُعِدَّتۡ لِلۡكَٰفِرِينَ ٢٤ وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ كُلَّمَا رُزِقُواْ مِنۡهَا مِن ثَمَرَةٖ رِّزۡقٗا قَالُواْ هَٰذَا ٱلَّذِي رُزِقۡنَا مِن قَبۡلُۖ وَأُتُواْ بِهِۦ مُتَشَٰبِهٗاۖ وَلَهُمۡ فِيهَآ أَزۡوَٰجٞ مُّطَهَّرَةٞۖ وَهُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢٥﴾ [البقرة: 24-25].

«پس اگر- چـنین- نكردید ـ و هرگز نمی‌توانید - چنین كاری بكنید- پس ترس از آتشی كه هیزمش -آتش افروزانش- مردم و سنگها خواهند بود، برای كافران آماده شده است. و به كسانی كه ایمـان آورده‌اند و كار شایسته انجام داده‌اند، مژده بده كه آنان باغ‌هایی دارند كه در زیر درختان آن، جویبارها جاری است. هرگاه بعضی از میوه‌های آن به ایشان عطا شود، گویند: این همان میوه‌هایی است كه قبلاً روزی ما شده بود. و برای ایشان میوه‌های مشابهی - مشابه در شكل و متفاوت در طعم- آورده می‌شود. همچنین برای آنها در آنجا زنان پاكیزه‌ای وجود دارد و در آن - بهشت- جاودان خواهند ماند».

قرآن در توصیف بهشت و نعمتهایش و دوزخ و عذابهایش، در مواضع متعددی سخن بمیان آورده است. چنانكه هر جا یادی از بهشت شده، پس از آن ذكری از دوزخ نیز به میان آمده است و عكس آن نیز صادق است. یعنی هر جا از دوزخ سخن گفته، پس از آن ذكری از بهشت به میان آوره است. همچنین در آیات زیادی مردم را بسوی بهشت فرا خوانده و تشویق نموده است و از دوزخ ترسانیده و بر حذر داشته است.

و اعتقاد راسخ داریم كه بهشت و دوزخ آفریده شده و در حال حاضر وجود دارند. چنانكه خداوند درباره بهشت می‌فرماید:

﴿أُعِدَّتۡ لِلۡمُتَّقِينَ﴾ [آل‌عمران: 133].

«برای پرهیزگاران فراهم دیده شده است».

و در باره دوزخ می‌فرماید:

﴿أُعِدَّتۡ لِلۡكَٰفِرِينَ﴾ [البقرة: 24].

«برای كافران آماده شده است».

رسول خدا نیز می‌فرماید: «إِذَا مَاتَ أَحَدُكُمْ فَإِنَّهُ يُعْرَضُ عليه مقعده بالغداة والعشي، فإن كان من أهل الجنة فمن أهل الجنة، وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَمِنْ أَهْلِ النَّارِ». بخاری. ترجمه: «هرگاه یكی از شما بمیرد، صبح و شام، جایگاهش به او عرضه می‌شود. اگر بهشتی باشد، جایگاهش در بهشت و اگر دوزخی باشد، جایگاهش در دوزخ بر او عرضه می‌گردد».

در این مورد. آیات و روایات زیادی وجود دارد كه بر اساس آنها اهل سنت اتفاق نظر دارند كه بهشت و دوزخ آفریده شده و هم اكنون وجود دارند. و نیز ایمان داریم كه آنها برای همیشه وجود داشته و از بین نخواهد رفت. چنانكه خداوند درباره بهشت می‌فرماید:

﴿أُكُلُهَا دَآئِمٞ وَظِلُّهَا﴾ [الرعد: 35].

«میوه‌ها و سایه‌اش پایدار است».

و رسول خدا می‌فرماید: «مَنْ يَدْخُلُ اْلجَنَّةَ يَنْعَمُ وَلاَ يَبْأَسُ، وَيَخْلُدُ وَلاَ يَمُوْتُ». [مسلم] «هر كس كه وارد بهشت شود از نعمت‌های آن بهره مند می‌گردد و درمانده نمی‌شود و جاودان می‌ماند و نمی‌میرد».

همچنین یكی از مواردی كه دلالت بر جاودان بودن دوزخ دارد، این سخن خداوند است كه می‌فرماید:

﴿وَلَهُمۡ عَذَابٞ مُّقِيمٞ﴾ [المائدة: 37].

«و آنان عذابی پایدار دارند».

و همچنین می‌فرماید:

﴿لَا يُقۡضَىٰ عَلَيۡهِمۡ فَيَمُوتُواْ وَلَا يُخَفَّفُ عَنۡهُم مِّنۡ عَذَابِهَا﴾ [فاطر: 36].

«هرگز فرمان مرگ ایشان صادر نمی‌شود تا بمیرد - و راحت شوند- و هرگز عذاب دوزخ برای آنها تخفیف داده نمی‌شود -تا مدتی بیاسایند-».

خدایا ما طالب رضا و خشنودی تو و ورود به بهشت و سخن و عملی هستیم كه ما را به تو نزدیک كند.

و از خشم و غضب و دوزخ ات و سخن و عملی كه ما را به آن نزدیک كند به تو پناه می‌بریم.



ايمان به قضا و قدر (سرنوشت)

الف- ایمان به سرنوشت:

یعنی اعتقاد راسخ به این كه هر خیر و شری بر اساس قضا و قدر خدا تحقق می‌یابد. و هر چه را كه بخواهد انجام می‌دهد و هیچ كاری بدون اراده و مشیت خدا انجام نمی‌گیرد. و هیچ چیزی هم در دنیا خارج از تقدیر خدا نیست. و برای هیچ كس راه گریزی از سونوشت وجود ندارد. و بیش از آنچه در تقدیر نوشته شده است چیزی اتفاق نخواهد افتاد. همچنین باید اعتقاد داشت كه خداوند خالق و آفریننده افعال نیک و بد بندگان می‌باشد. و به آنها امر و نهی كرده است. چرا كه آنها در اعمال و كردار‌شان مختار‌اند و مجبور نیستند. و آنچه را كه انجام می‌دهند به میل خودشان است. البته خدا هر كس را بخواهد با رحمت خود، هدایت می‌كند و هر كس را بخواهد با حكمت خود، گمراه می‌سازد.

خداوند به خاطر هیچ كاری بازخواست نمی‌شود، اما بندگان بخاطر كارهای خود بازخواست می‌شوند.

باید دانست كه اعتقاد به قضا و قدر یكی از اركان ایمان است. چنانكه رسول خدا در پاسخ به جبرئیل فرمود: «أَنْ تُؤْمِنَ بِاللهِ وَمَلاَئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَاْليَوْمِ اْلآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِخَيْرِهِ وَشَرِّهِ». [مسلم]. ترجمه: «ایمان یعنی: این كه به خدا، فرشتگان، كتاب‌ها، فرستادگان خدا، روز قیامت و به خیر و شر سونوشت، باور داشته باشی».

همچنین رسول الله فرمودند: «لَوْ أَنَّ اللهَ عَذَّبَ أَهْلَ سَمَاوَاتِهِ وَأَهْلَ أَرْضِهِ لَعَذَّبَهُمْ غَيْرَ ظَالِمٍ لَهُمْ، وَلَوْ رَحِمَهُمْ كَانَتْ رَحْمَتُهُ لَهُمْ خَيْراً مِنْ أَعْمَالِهِمْ، وَلَوْ كَان لَكَ مِثْلُ جَبَلِ أُحُدٍ ذَهَبًا أَنْفَقْتَهُ فِيْ سَبِيْلِ اللهِ مَا قَبِلَهُ مِنْكَ حَتَّي تُؤْمِنَ باِلْقَدَرِ، وَتَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ، وَأَنَّ مَا أَخْطَأَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيْبَكَ، وَأَنَّكَ إِنْ مُتَّ عَلي غَيْرِ هَذَا دَخَلْتَ النَّارَ». [رواه أحمد]. ترجمه: «اگر خداوند اهل آسمان و زمین را عذاب دهد، به آنها ظلم نكرده است و اگر آنها را مشمول رحمت خویش قرار دهد. رحمتش برای آنها از اعمال خودشان بهتر خواهد بود. و اگر به اندازه كوه احد طلا داشته باشی و آنها را در راه خدا انفاق بكنی، تا به سرنوشت ایمان نیاوری، از تو پذیرفته نمی‌شود . بدان كه آنچه به تو رسیده است باید می‌رسید و آنچه نرسیده است نباید می‌رسید و اگر بر غیر این عقیده بمیری، وارد دوزخ خواهی شد».

قَدَر یعنی: سرنوشت و تقدیری كه خدا بوسیله علم و حكمت خود برای مخلوقاتش رقم زده است.

ب- مراتب ایمان به قدر (سرنوشت):

1- ایمان به این كه خداوند نسبت به همه پدیده‌های جهان هستی علم اجمالی و تفصیلی دارد. و قبل از اینكه آنها را بیافریند از تعداد، روزی، عمر، سخنان، حركات، اسرار، بهشتی یا دوزخی بودن آنها آگاهی داشته است. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ﴾ [الحشر: 22].

«اوست خدایی كه معبودِ بحقی جز او وجودندارد. و داننده نهان و آشكار است».

و هم چنین می‌فرماید:

﴿وَأَنَّ ٱللَّهَ قَدۡ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عِلۡمَۢا﴾ [الطلاق: 12].

«همانا علم خدا بر همه چیز احاطه دارد».

2- ایمان به اینكه خداوند همه موارد یاد شده را قبلاً در لوح محفوظ نوشته است. چنانكه می‌فرماید:

﴿مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مِّن قَبۡلِ أَن نَّبۡرَأَهَآۚ﴾ [الحدید: 22].

ترجمه: «هیچ مصیبتی در زمین بوجود نمی‌آید یا به شما دست نمی‌دهد، مگر اینكه پیش از آفرینش زمین و خود شما، ثبت بوده است».

و رسول خدا نیز در این مورد می‌فرماید: «كَتَبَ اللهُ مَقَادِيْرَ اْلخَلاَئِقِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَاوَاتِ وَاْلأَرْضَ بِخَمْسِيْنَ أَلْفَ سَنَةٍ». (مسلم) ترجمه: «خداوند،پنجاه هزار سال قبل از آفرینش آسمان‌ها و زمین، سرنوشت مخلوقاتش را نوشته است».

3- ایمان به مشیت و قدرت خدام: بدین معنی كه هر رویدادی به اراده و قدرت او واقع می‌شود و خواست و قدرت هیچ كس یارای مقابله با او را ندارد. پس هر چه را كه بخواهد، تحقق می‌یابد و هر چه را كه نخواهد، بوقوع نمی‌پیوندد. چنانكه می‌فرماید:

﴿وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ﴾ [الانسان: 30].

« شما نمی‌توانید بخواهید، مگر آنكه خدا بخواهد».

و هم چنین می‌فرماید:

﴿وَيَفۡعَلُ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُ﴾ [ابراهیم: 27].

«و خداوند، هر چه بخواهد، انجام می‌دهد».

4 ـ ایمان به این كه خداوند متعال تنها خالق و آفریننده تمامی موجودات است و غیر از او، همه مخلوق‌اند. و او بر هر چیز تواناست، چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖ﴾ [الرعد: 16].

«خداوند آفریننده همه چیز است».

و نیز می‌فرماید:

﴿وَخَلَقَ كُلَّ شَيۡءٖ فَقَدَّرَهُۥ تَقۡدِيرٗا﴾ [الفرقان: 2].

«و همه چیز را آفریده است، آن گاه چنانكه می‌باید حد و قدر آنها را معین كرده است».

باید دانست كه سرنوشت مخلوق، رازی است كه فقط در دست خدا می‌باشد كه نه پیامبری و نه فرشته مقربی و نه كس دیگر از آن اطلاع دارد.

و از آنجا كه مومن، خدای خود را با صفات كمال توصیف می‌نماید، ایمان دارد كه هر كار او خالی از حكمت نیست. اگر چه او به حكمت برخی از كارهای خدا پی نبرد اعتراضی ندارد و آنرا بحساب نادانی خود می‌گذارد.

ج ـ سوء استفاده از سونوشت:

همانطور كه گفتیم ایمان به قضا و قدر هیچ منافاتی با اراده، توانائی و اختیار انسان در انجام كارها ندارد. چنانكه واقعیت و شریعت، هر دو بر این دلالت می‌كنند.

اما شریعت در مورد خواست بنده می‌فرماید:

﴿فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ مَ‍َٔابًا﴾ [النبیأ: 39].

«پس هر كس بخواهد می‌تواند به سوی پروردگارش برگردد - راه رضای او را در پیش گیرد-».

و برای قدرت و توانایی‌اش می‌فرماید:

﴿لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَعَلَيۡهَا مَا ٱكۡتَسَبَتۡ﴾ [البقرة: 286].

«خداوند، هیچ كس را جز (به اندازه) توانش مكلّف نمىسازد. - هر كس- آنچه كار نیكی انجام دهد، به سود خود انجام داده و هر كس مرتكب گناهی شود، به زیان خود كرده است».

اما واقعیت: هر كسی می‌داند كه دارای قدرت و اراده‌ای است كه بوسیله آن، كارهائی انجام می‌دهد و یا ترک می‌نماید. و می‌داند كه فلان كار را با اراده یا بی‌اراده انجام داده است. مثلاً راه رفتن، با اراده انجام می‌گیرد. ولی لرزیدن، بدون اراده روی می‌دهد. البته اراده و مشیت بنده. بدون مشیت خدا تحقق نمی‌یابد. چنانكه خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ﴾ [الانسان: 30].

«و شما نمی‌توانید بخواهید، مگر آن كه خدا بخواهد».

زیرا همه هستی از آن خداست و در مملكت او بدون علم اراده‌اش كاری انجام نخواهد گرفت.

پس ایمان به قدر و سرنوشت به بنده اجازه نمی‌دهد كه اوامر یا نواهی خدا را به بهانه سرنوشت، ترک كند و این استدلال به چند دلیل باطل است:

1- رسول خدا فرمود: «مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ إِلاَّ قَدْ كُتِبَ مَقْعَدُهُ مِنَ النَّارِ وَمَقْعَدُهُ مِنَ اْلجَنَّةِ . فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ اْلقَوْمِ: أَلاَ نَتَّكِلُ يَا رَسُولَ اللهِ ؟ قَالَ: لاَ، اعْمَلُوْا فَكُلُّ مُيَسَّرٌ لِمَا خُلِقَ لَهُ». [متفق علیه]. ترجمه: «جایگاه یكایک شما در دوزخ یا بهشت نوشته شده است. مردی از میان آنها گفت: آیا توكل ننماییم و عمل را ترک نكنیم؟ فرمود: خیر. بلكه عمل نمائید چرا كه هر كس بر انجام چیزی توفیق می‌یابد كه برایش نوشته شده است».

پس رسول خدا به انجام عمل، امر فرمود و از ترک آن به دلیل استناد به سرنوشت، بازداشت.

2- خداوند متعال به بنده‌اش امر و نهی فرموده و او را بیش از توانائی‌اش مكلف نساخته است. چنانكه می‌فرماید:

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ مَا ٱسۡتَطَعۡتُمۡ﴾ [التغابن: 16].

«پس تا - حدّی- كه می‌توانید از خدا بترسید».

و اگر بنده در كارهایش مجبور باشد و از طرفی خداوند او را مكلف به انجام ندادن برخی امور بنماید، این تكلیف، طاقت فرسا و باطل است. بنابراین، اگر كسی از روی نادانی یا فراموشی و اجبار، گناهی انجام دهد، معذور شمرده می‌شود.

3- همانطوركه شرح آن گذشت قضا و قدر رازی پنهان نزد خدا است و كسی از آن سر در نمی‌آورد، مگر بعد از وقوع آن.

و استناد به چیزی كه هنوز اتفاق نیفتاده كاری عبث و بیهوده است. بنابراین، به كسی كه مرتكب گناهی می‌شود و می‌گوید: این عمل در سرنوشت من نوشته شده است، باید گفت: از كجا می‌دانستی كه این عمل برایت نوشته شده بود؟! پس وقتی كه نمی‌دانستی و از طرفی قدرت و اختیار داشتی و خیر و شر و در برابرت قرار داشت، اگر گناهی را انتخاب كردی و آنرا بر طاعت ترجیح دادی، خودت مقصر می‌باشی و باید كیفر آن گناه را تحمل كنی.

4- اگر بر كسی كه به استناد قضا و قدر، واجبات شرعی را ترک می‌كند و مرتكب گناه می‌شود، شخص دیگری ستم روا بدارد و مال او را بستاند و به او هتک حرمت كند، آنگاه بگوید: مرا سرزنش مكن. زیرا ستمی كه به تو كرده ام به اقتضای سرنوشت بوده است. یقیناً از او نخواهد پذیرفت. پس چگونه ظلم و ستمی را كه به استناد قضا و قدر بر او رفته است نمی‌پذیرد. اما خود به استناد قضا و قدر در حق خدا ستم روا می‌دارد.



د- آثار ایمان به سرنوشت:

ایمان به سرنوشت علاوه بر اینكه جزئی از عقیده است كه ایمان به آن واجب می‌باشد و ركنی از اركان ایمان است كه منكر آن كافر می‌شود، در زندگی انسان آثار مثبت فراوان دارد. از جمله:

1- سرنوشت، بزرگترین انگیزه‌ای است كه فرد را در دنیا وادار به عمل و سعی و تلاش در اه جلب خشنودی خدا می‌نماید. همچنین بزرگترین مشوق مومن در انجام كارهای بزرگ می‌باشد و باعث استقامت و پایداریش می‌گردد.

گفتنی است كه مؤمنان موظف‌اند تا در كارها از ابزار و اسباب، استفاده كنند ولی توكلشان به خدا باشد و ایمان داشته باشند كه اسباب نتیجه بخش نخواهد بود، مگر اینكه خدا بخواهد چرا كه هم اسباب و هم نتایج آنها را خدا آفریده است.

چنانكه رسول خدا می‌فرماید: «المُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَي الله مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيْفِ، وَفِي كُلٍّ خَيْرٌ، احْرِصْ عَلَي مَا يَنْفَعُكَ، وَاسْتَعِنْ بِاللهِ وَلاَ تَعْجَزَنْ، وَإِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ فَلا تَقُلْ لَوْ أَنِّى فَعَلْتُ لَكَانَ كَذَا وَكَذَا، وَ لَكِنْ قُلْ قَدَّرَ اللهُ وَمَا شَاءَ فَعَلَ، فَإِنَّ لَوْ تَفْتَحُ عَمَلَ الشَيْطاَنَ». [رواه مسلم]. «مؤمن قوی از مؤمن ضعیف بهتر و نزد خدا محبوب‌تر است و هر دو دارای خیر می‌باشند. و افزود به چیزی كه به تو نفع می‌رساند حریص باش، و از خدا نیز كمک بخواه و عاجز مباش و اگر مصیبتی به تو رسید نگو اگر چنین نمی‌كردم، چنان نمی‌شد. بلكه بگو سرنوشت چنین بود و خدا نیز چنین می‌خواست. زیرا كه كلمه اگر دهان شیطان را باز می‌كند».

بنابراین وقتی مسلمانان خواستند توسط جهاد در دنیا تغییراتی بوجود بیاورند، اسباب و ابزار لازم برای جهاد را فراهم كردند و توكل بر خدا نمودند و گفتند: تقدیر خدا چنین است كه مسلمانان پیروز شوند و كافران شكست بخورند و نیز به این گفته اكتفا نكردند و از جهاد و آمادگی برای آن و حضور در میادین نبرد دست نكشیدند. بلكه با توكل به خدا از اسباب، استفاده كردند و خداوند نیز آنها را پیروز گردانید و بوسیله آنها اسلام را سر بلند كرد.

2- از ایمان به سرنوشت است كه انسان به قدر و منزلت خود پی می‌برد و تكبر و غرور و خود خواهی را كنار می‌گذارد. چون از سرنوشت و آینده خود آگاهی ندارد. در نتیجه، خود را عاجز و ناتوان دانسته و همیشه خود را نیازمند خداوند متعال می‌داند.

3- طبیعت انسان چنین است كه اگر خیری به او برسد مغرور و متكبر می‌شود و اگر مصیبتی به او روی آورد ناله و زاری سر می‌دهد. مگر كسی كه ایمان به سرنوشت داشته باشد و بداند كه هر چه بر او می‌گذرد در تقدیرش نوشته شده است.

بنابراین، یكی از گذشتگان نیک می‌گوید: هر كس به سرنوشت، ایمان نداشته باشد، زندگی‌اش نا مبارک خواهد بود.

4- ایمان به سرنوشت باعث از بین رفتن بسیاری از بیماری‌های اجتماعی مانند حسد می‌شود. چون مومن می‌داند كه این برتری‌ها از سوی خداوند متعال می‌باشد. و او آنها را مقدر نموده است، بر دیگران حسد نمی‌ورزد. زیرا این كار در واقع اعتراض به سرنوشت است.

5- ایمان به قضا و قدر، انسان را در برابر مشكلات، شجاع و اراده‌اش را قوی می‌كند و در میدان جهاد او را ثابت قدم می‌سازد. چون از مرگ نمی‌ترسد و یقین دارد كه برایش اجلی تعیین شده كه نه یک لحظه زود و نه یک لحظه دیر فرا می‌رسد.

همین عقیده مسلمانان صدر اسلام بود كه آنها را در جنگ و جهاد ثابت قدم نگه می‌داشت و بدون توجه به تعداد و توان نظامی دشمن، شگفتیها می‌آفریدند. چرا كه یقین داشتد هیچ مصیبتی به انسان نمی‌رسد، مگر آنچه برایش نوشته شده باشد.

6- همچنین ایمان به قضا و قدر، در وجود مؤمن انواع حقایق ایمانی را می‌كارد. پس او همیشه از خدا یاری می‌طلبد. با استفاده از اسباب به خدا اعتماد و توكل می‌كند، و هم چنین همیشه خود را نیازمند خدا می‌داند و برای استقامت در راه حق، از او كمک و یاری می‌طلبد.

همچنین نیكی و سخاوت به دیگران را دوست دارد، و با آنها مهربانی می‌كند و نیازهای‌شان را برطرف می‌سازد .

7- یكی دیگر از فواید ایمان به قضا و قدر این است كه داعی الی الله در مقابل كافران و ستمگران، آشكارا دعوت خود را اعلام می‌دارد. و از ملامت هیچ ملامت كننده‌ای باكی ندارد. و حقیقت ایمان و واجبات آن را برای مردم شرح می‌دهد. همچنان كه حقیقت كفر و نفاق را بیان می‌كند و مردم را از آن بر حذر می‌دارد. و در برا ستمگران، سخن حق می‌گوید و بر خدا توكل می‌نماید. و از این رهگذر هنگام برخورد با مشكلات و موانع، شكیبائی می‌كند. چون یقین دارد كه عمر و روزی انسان در دست خدا است نه كسی دیگر، هر چند كه آن شخص، قوی باشد.

1. - يجير ولا يجار عليه: يعنى از بندگان خود بلاها را دفع كند، ولی هيچ كس نمى‌تواند آنچه را كه خدا مقدر و سرنوشت كرده است، آنرا دفع نمايد. [↑](#footnote-ref-1)